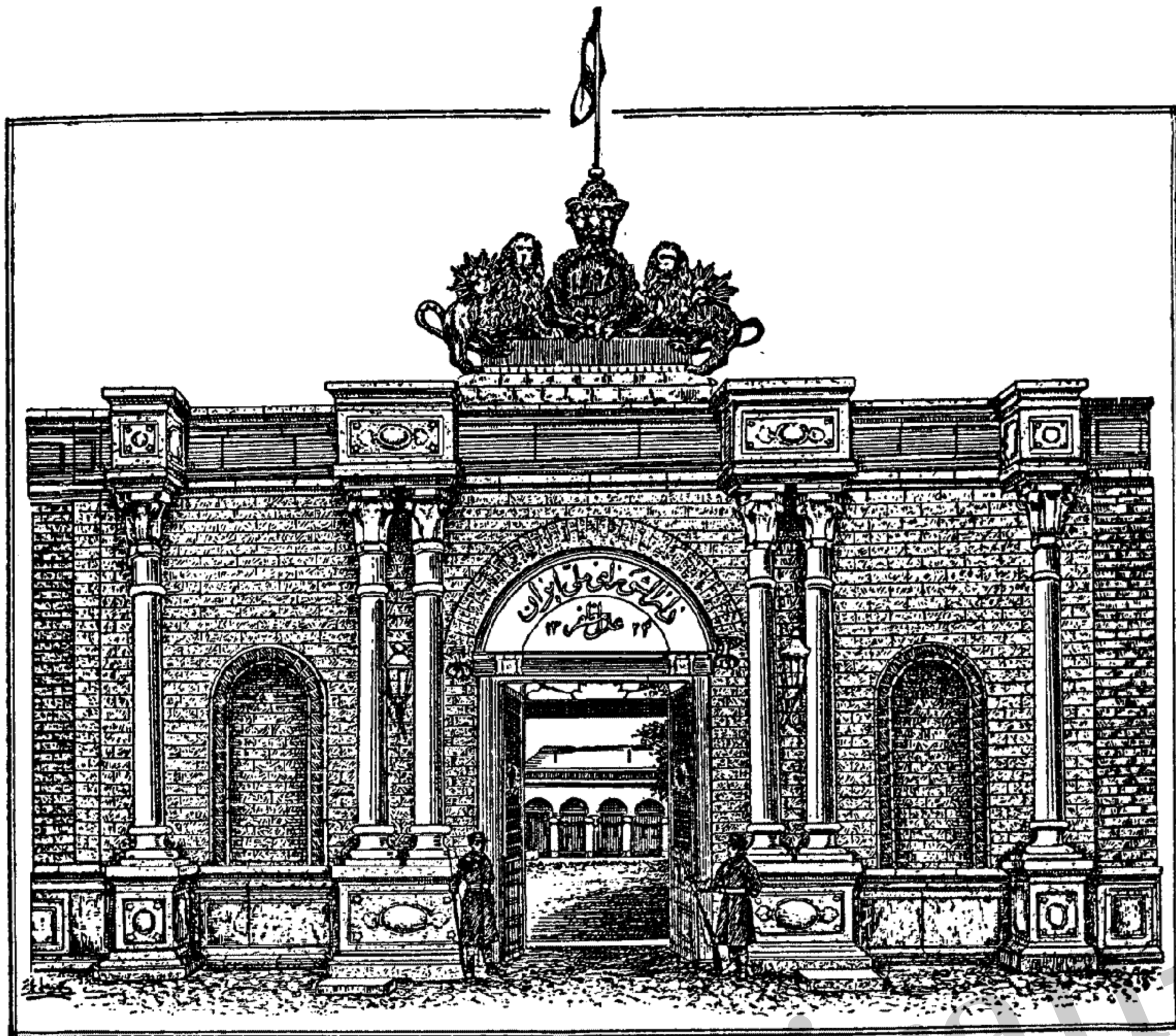


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۶۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۲۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۲۴ تیر ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۷ محرم ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

# فهرست مندرجات



## مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۲۴ تير ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۷ محرم ۱۳۴۷

### جلسه ۲۶۳

( مجلس در ساعت و سه ربع قبل از ظهر برباست آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
 ( صورت مجلس پنجشنبه ۲۱ تير ماه را آقای دولتشاهی قرائت نمودند )

رئیس - صورت مجلس ارادی دارد یا نه ( گفته شد خیر )  
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد . چند فقره خبر مرخصی است

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان فرشی و عدل و حیدری	۴۷۶۴	۴۷۶۵
۲	قرائت مواد و مذاکرات در اطراف خبر کمیسیون راجع به انحصار نرباک	۴۷۶۶	۴۷۹۲

www.kanoo.com

( بشرح ذیل خوانده شد )

مرخصی آقای فرشی :

نماینده محترم آقای فرشی رای ساختمان مدرسه در قریه دیزج آذربایجان بنام خدمت بمعارف از بیستم اردی بهشت دو ماه تقاضای مرخصی نموده اند . کمیسرون چون همیشه طرفدار توسعه معارف و این قبیل خدمات را قابل تقدیر میدانند لذا با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آرا تقدیم می نمایند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده يك اصلی را که اصل مساوات و عدالت است میخواهم بقدری که میشود توجه بدهم بعقیده خود نه اینکه خدای نخواستہ بگویم اکثر این توجه را ندارند ولی خواستم این را عرض کنم که این رعایت بشود . آقای فرشی یکی از وکلای خوبی هستند لکن نگاه کنید به مرخصی های ایشان سه ماه مرخصی گرفته اند بعد پنج ماه دیگر حالا هم رفته است بحمدلله موفق هم شده است نمایندہ هم شده است . حالا که نماینده شده است يك پولی هم بدهد . بنده عرض میکنم برروز شاهزاده غلامحسین میرزا مرخصی خواسته بود بنده مخالف بودم مجلس رای نداد شاهزاده محمدولی میرزا مرخصی خواسته بود با اینکه حقوق خودش را واگذار کرده بود به دارالتربیه تبریز که خیلی هم منافع برای ما داشت رای داده نشد . آقای فرشی هفت هشت ماه اجازه خواسته است بنده خواستم که آنها در تحت يك میزبان تساوی درس ملاحظه شود از این جهت بنده مخالفم که در ظرف دو سال بیکنفر ده ماه اجازه مرخصی داده شود . پس يك دفعه اصطلاح جدیدی ها يك اجازه مطلق بگیرند مثل ادیره ثبت استناد شنیده همین ترتیب است صبح می آیند اعضا میکنند میروند باز فردا می آیند اعضا میکنند میروند مواجب هم میگیرند اینجا هم همین ترتیب را میکنند این است که بنده جداً مخالف هستم .

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده با آن اصلی که آقا فرمودند موافقم يك طرحی با يك پیشنهادی تهیه کنند که يك قدری این کار منظم شده لکن تا زمانی که این طرح از مجلس نگذشته است عرض میکنم مجلس با در نظر گرفتن وضعیت زندگانی افراد وکلا البته فعلاً و انبائاً بر طبق عقیده که دارد اظهار رأي خواهد کرد . اینجا است که اختلاف پیدا میشود بواسطه اینکه افراد بجمع جهات با بجهاتی با هم اختلاف دارند . آقای فرشی يك آدم صالح و صحیحی است هیچوقت از اوقات هم در نظر ندارند که بخواهند يك حقوقی بگیرند یا در مقابلش خدمتی انجام ندهند بنده عقیده ام این است که غیبت آقای فرشی نفعش از نقطه نظر وکالت بیشتر باشد تا حضورش ( عدل - صحیح است ) و در اینجا هم اگر دقت فرمایند تصدیق عرض بنده را خواهند کرد بیش از اینهم توضیح نمیدم

رئیس - رای میکنیم به مرخصی آقای فرشی آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند ( اکثر بر خاستند )

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای عدل :

نماینده محترم آقای عدل بواسطه سرکشی با عوارض شخصی از تاریخ سوم خرداد چهل روز تقاضای مرخصی کرده اند کمیسرون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آرا تقدیم می نماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده باز هم عرض خودم را تکرار میکنم . آقای کازرونی با پانزده روز مرخصی شاهزاده غلامحسین میرزا مخالفت میکرد و آنوقت با هشتم مرخصی آقای فرشی موافقت میکند حالا مسئله نیست این عقیده است . آرزو هم عقیده ام مخالف بود رف بررون گفت عقیده من موافق است . گفت : در تناقض هشت وحدت شرط دان . یکیش وحدت محل است . دیگر اینجور تناقض هم من ندیده بودم و عقیده نداشتم که عقیده پیدا کردم . در اینجا هم آقای قائم مقام تشریف بردند رای

انتخاباتشان انتخاب هم شدند و برگشتند میگویند برای سرکشی املاکشان . مگر مجلس برای سرکشی املاک هم باید حقوق بدهد مجلس که کد خدا نیست آقا جانب این يك چیزهای غریبی است . خوبست خود آقای عدل يك نفقده میکنند و عدالت میکنند جواب بدهند که دیگر آقای کازرونی دفع نکند

رئیس - آقای فیروز آبادی هم مخالفند

فیروز آبادی - بله

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم اجازه که داده شده است از طرف کمیسرون راجع به آقای عدل بنده از مقام عدالتخواهی آقای آقا سید یعقوب تقاضا میکنم همین دلیل که الان مجلس درباره آقای فرشی رای داد برای آقای عدل هم باید رای بدهد و دلیل ندارد که بخواهد مال ایشان را رد بکند .

رئیس - آقابانیکه این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد .

مرخصی آقای حیدری :

نماینده محترم آقای حیدری از اول تیر ماه ۲۱ روز اجازه مرخصی را تقاضا و بر طبق تقاضا نامه خود تدارکاتی از مقامات مربوطه برای رسیدگی با عوارض محلی منظم کمیسرون با نظریه ایشان موافق اینک خبر آرا تقدیم می نماید

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - موافقم

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرضی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در صورتیکه میدانم آقای حیدری تشریف بردند آنچه يك خدماتی هم بسد حوزه اینجامعه خودشان کرده اند مسبق هستم ولی چون با کلیه مرخصی ها چه مرخصی قبلی و چه مرخصی بعدی تماس مخالفم و عقیده دارم کسی که وکیل شد از آرزوی که

می آید در مجلس باید تا آن روز آخرین کار بکنند و اگر چنانچه نخواست باید از حقوق خود صرف نظر بکنند عقیده ام این است و فرق بین دوستان و غیر دوستان خودم نمیگذارم از این جهت مخالف هستم .

رئیس - آقای زوار

زوار - چون نماینده محترم يك قسمت از خدمات آقای حیدری را تصدیق کردند کمیسرون هم از همین نظر این خبر را تقدیم کرده استدعا میکنم که امروزی را فدای آن روزی نکنند .

رئیس - آقابانیکه این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند .

( اکثر بر خاستند )

رئیس - تصویب شد .

وزیر مالیه - يك فقره لایحه است راجع به تصفیة حساب عوارض بندری خاطر آقابان مستحضر است قانونی در این باب گذشت ولی در چند روز قبل از اینکه این قانون بگذرد این عوارض در آنجا دریافت شده است برای اینکه این دریافت قانونی باشد يك مساده واحده عرض شده است . يك ماده واحده هم هست راجع بيك نفر مستخدم گمرک که مقبول شده است ورثه او باید حقوق بگیرند . يك تقاضای اعتباری است برای خرید يك قایق بخاری در دریای خزر از محل همین صدی سه انحصاری که تخصیص بخارج وصول عوارض انحصار داده شده است

کفیل وزارت امور خارجه - عهد نامه ایران و ترکیه . بر تکل منضمه به عهد نامه ایران و افغانستان . قرار داد موقتی باچک و اسلواکیا . قرار داد موقتی باطریش را تقدیم میکنم

( در فقره پیشنهاد راجع بدستور بشرح ذیل قرائت شد )

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که لایحه خط آهن بین محمره و عبادان در ابتدای جلسه امروز جزء دستور شود

پیشنهاد آقای تقی زاده :

اینجانب پیشنهاد میکنم که امروز قبل از سایر مطالب به چند فقره شهریه که با قیام و قعود رای گرفته شده روی هم رفته با ورقه رای گرفته شود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میشود همه ماها عقیده مان این است که خط آهن در مملکت وارد شود عقیده حال این شده است یعنی غالب و اکثر یک نفری هم پیدا شده است میخواهد سه چهار فرسخ با پول خودش و سرمایه خودش خط آهن بکشد قریب یکسال هم هست که در کیسیون و مجلس آمده است دو شور آنهم تمام شده عمل آن هم تمام شده است فقط رأی آخر آن مانده است این نه معطلی دارد نه چیزی: برای تشویق و برای اینکه سه چهار فرسخ خط آهن در مملکت کشیده شود بدون یکشاهی ضرر برای این مملکت بنده پیشنهاد کردم که رأی آخری که یک دقیقه وقت لازم دارد داده شود بعد آقایان مشغول کار خودشان بشوند

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده توضیح مفصلي ندارم. چند فقره که با قیام و قعود رأی گرفته شده اینها اغلب حقوقهائی است که برای زنهای بیوه ده تومان و پانزده تومان است معطل مانده برای بعضی لواج دیگری که میخواست ضمیمه بشود آنهم در موقع خودش باید طرح شود این تمام کارش تمام شده و چون بعضی از اینها نهایت استحقاق و استیصال را دارند بنده نمی می کنم از آقایان که با ورقه رأی بدهند بان چند فقره که با قیام و قعود رأی گرفته شده است رای داده شود که عملش تمام شود و خیلی بتأخیر نیفتد.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده با این دو پیشنهاد هر دو مخالفم. اولاً در جلسه گذشته يك رأی باقی ماند برای شور در مواد قانون انحصار که این قانون از لحاظ اقتصادی این مملکت رجحان دارد بر هزار قانونی که از این قبیل بگذرد

حالا محسنات آنرا اغلب آقایان در عمل مشاهده خواهند کرد پیشنهاد آقای فیروز آبادی اگر صاحبش آقای موقر اینجا بود خودش راضی نبود که قانون انحصار را بگذارند و باین رأی بدهند. اما پیشنهاد آقای تقی زاده بنده تعجب میکنم يك شخص عالیمقامی مثل ایشان که همیشه هم خودشان را برای تعمیم معارف و تشویق مردم به سعی و عمل صرف کرده اند حالا بیایند و طرفدار مفتخوری شهریه در این مملکت بشوند این از آقای تقی زاده با آنچه که بنده ایشان عقیده دارم بعید بود خوب است این قسمت ها را هم بگذارید برای مجلس هفتم که بعضی کارها را باید بکنند و شهریه را مقدم بدارند امروز باید همین قانون انحصار رأی بگیریم و غیر این را بنده مخالفم.

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. آقایانیکه پیشنهاد آقای تقی زاده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

وزیر مالیه - اجازه می فرمایند؟ بنده این لایحه را مسترد میکنم.

رفیع - بنده هم حاضر نیستم در مجلس بنشینم که تهریه بگذارم (از مجلس خارج شدند)

مدرس - خدا بمراد است.

(آقایان زوار و آقای سید یعقوب ردو سه نفر دیگر از مجلس خارج شدند)

حاج شیخ بیات - این مخالف قانون است دولت نمیتواند پس بگیرد!

عراقی - چرا نمیتواند پس بگیرد هنوز رأی کلی گرفته نشده!

(همهمه بین نمایندگان - صدای زنگ رئیس)

رئیس - در جلسه گذشته راجع به لایحه تریک در کفایت مذاکرات آقای تقی زاده مخالف بوده اظهاراتی

شد ولی چون عده کافی نبود رأیاش ماند برای این جلسه. رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه ورود در شور مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون کلیه معاملات و تکاعداری کردن و تیاری کردن و حمل و نقل و صدور تریک و شبره و چونه عم از مصرف داخلی یا خارجی منحصر بدولت است و این انحصار موسوم بانحصار دولتی تریک خواهد بود

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بعقیده بنده دولت در تقدیم این لایحه به مجلس يك اشتباه زرکی کرده است و تصور میکنم که این زرکترین اشتباهانی است که بعد از شش ماه بر خودشان واضح شود همانطوریکه راجع براه آهن بعد از یکسال بر خودشان واضح شد و بعد از آنکه تقریباً نوبست سیصد هزار تومان خرج کردند ملنگت شدند و لایحه را آوردند خودشان اعتراف کردند اینک اشتباه کرده اند و عیبوا گذار به کپوش کردند. علت این اشتباه زرکی که کرده اند این است که تصور کرده اند که تقریباً چهار پنج میلیون از بیات انحصار تریک عاید دولت میشود و به خزانه دولت وارد میشود. البته ما مخالف نیستیم که عایدات دولت روز بروز زیادتر بشود و خزانه دولت معمور بشود و الان هم در دنیا هیچ دولتی نیست که اندازه ایران کم مالیات بگیرد یعنی مالیاتی که امروز به خزانه دولت می آید کمترین مالیاتها است که ممکن است تصور کرد ولی همیشه باید مالیات و عوائد دولت را با عوائد عمومی مملکت مقایسه کرد. يك مملکتی که سر تاسرش فقر و بدبختی و پریشانی است و مردم هم عایداتی ندارند این مالیات فعلی

سنگین ترین مالیاتی است که ملت ایران میدهد برای اینکه در مقابله عایدات ندارند. البته بنده تصدیق می کنم که مالیات دولت خیلی کم است یعنی عوائد دولت و بودجه دولت خیلی کوچک و محقر است ولی در مقابل آن عوائد عمومی مملکت هم خیلی محقر است رفوق العاده کم است یعنی مردم در تمام اکتاف و اطراف از کاسب و ناچر و غیره همه فقیر و بدبختند همدی بضاعت هستند و به چوچه در این مملکت تولید ثروت نمیشود و از این لحاظ بنده تصور میکنم که مالیاتی که روی اساس عوائد عمومی نباشد اصلاً مالیات غلطی است مثل اینکه فرض کنید دولت بگوید چرا منافعی که چند نفر ناچر قلی از قلی میبرند دولت نبرد دولت ممکن است در سال ده میلیون دوازده میلیون از بیات تجارت قالی فایده برد پس ما بیات تجارت قالی را در خارجه منحصر بخودش بگذارد این يك اصل غلطی است که کان نمیکند بشود با آن زندگی کرد مگر اینکه سیستم مملکت را يك طرز دیگری کرد مثلاً يك سیستم موسسالیسی بشود و بالاخره تمام افراد مستخدم دولت بشوند و در عین حال از برای دولت کار بکنند و دولت هم از دفع خودش را بین آنها تقسیم کند. اگر اینطور شد يك فرضی است و الا با این ترتیب شده است با این وضعیت اگر دولت نقطه نگاه خودش را فقط از بیاد عوائد بخواند قرار دهد و مالیات وضع کند و تجارت را خودش منحصر کند بعقیده من کار غلطی است. این لایحه يك فایده دارد و دو ضرر فایده مهمی که میشود ازش تصور کرد همین است که دولت چهار پنج میلیون به خزانه خودش وارد کند و این را همانطور که عرض کردم اسمش را نمیشود فایده گذاشت میشود عین این را ضرر تصور کرد زیرا بالاخره منابع ثروت مملکت خشک میشود دولت چند وظیفه دارد در دنیا؟ دولت و حکومت فقط در دنیا برای این تاسیس شده اند که زارع بهتر بتواند زراعت کند صنعت گر بهتر بتواند صنعت کند و ناچر بهتر بتواند تجارت کند و بالاخره تنظیمات را در مملکت

طوری بکند که مردم بتوانند با کمال آزادی به حرفه های آزاد و تولید ثروت مشغول بشوند آنوقت از منافع این ثروتها يك چیزی که اندازه کافی باشد برای استقرار نظم و امنیت مملکت بگیرد و غیر از این دیگر حکومت هیچ معنی ندارد. صرف اینکه حکومت بخواد پول از مردم بگیرد و تمام تجارت را بخودش منحصر بکند و متکی باشد باینکه خزانه دولت معمورتر خواهد شد این نتیجه اش بعقیده بنده خرابی مملکت است. و اما در ضرری که بطور حتم مرتب است بر این لایحه: یکی از بین بردن عوائد عمومی مملکت است یعنی مصالح عمومی مملکت در نتیجه اجرائی این لایحه قانونی بکلی از بین خواهد رفت علتش هم بر واضح است. نه در مملکت ما در هیچیک از جاهای دنیا دولت نمیتواند تجارت کند. این يك مسئله تقریباً علمی و بدیهی و واضح و مدلل است که در همه جای دنیا اگر دولت بخواد يك کار تجارتي بکند آنرا به کمپانی های تجارتي واگذار میکند و از آنها منتفع میگردد؛ اما دولت خودش مستقیماً نباید مباشر در های تجارتي باشد این نتیجه ندارد. یعنی مهالك دنیا این مسئله را امتحان کرده اند و تمام از این قسمت ضرر دیده اند. این خیلی بدیهی است که بکنفر مأمور دولت که فرض کنید مباشر امر تجارت خارجی ترناك خواهد شد این اندازه آن تجارتي که میخواهد نفع ببرد یعنی اندازه آن کسی که نفع و ضرر متوجه خودش میشود این شخص به تجارت و زراعت ترناك توجه نخواهد داشت. آقای وزیر مالیه دیروز میگفتند که اولاً پنج شش نفر تاجر بیشتر نیست فقط منحصر به پنج شش نفر است از این جهت چه ضرر دارد که منفعت چند نفر از بین برود و دولت منفعت کند؟ یکی دیگر اینکه میگفتند تاجران بازار های دنیا اطلاع ندارند و نمیفهمند چگونه تجارت کنند اینهم يك دلیلشان بود. يك دلیل دیگرشان که بعقیده بنده خیلی قابل خدشه است این بود که میگفتند تنها رقابت روی ارزان تر فروختن نیست بلکه روی هزار چیز دیگر است. تمام

این دلایلشان بعقیده بنده صحیح نیست. اولاً در مملکت پنج نفر نیست که مشغول کار ترناك است پنجاه هزار نفر است...

کازرون - همه مردم

دشتی - از زارع و تاجر همه را که حساب کنید چندین هزار نفر میشود...

شیروان - پنج میلیون

دشتی - بقول آقای شیروان پنج میلیون

مدرس - نم پنج نفر هم باشد چرا؟

دشتی - پس پنج نفر نیست و تقریباً صد هزار دوست هزار نفر هستند که مشغول این کارند و نهایتاً بفرض محال که پنج نفرند بالاخره این پنج نفر دارند تولید ثروت میکنند. اولاً این مسئله مستعمرات داری یعنی چه؟ مگر دولت انگلیس که میآید هند را مستعمر میکنند برای اینست که خود دولت میرود آنجا تجارت میکند! خیر برای چهار تا تاجر است که بروند آنجا تجارت کنند زراعت کنند از جنکلی ها و معادن آنها استفاده کنند. اصلاً مستعمره برای پنج شش نفر سرمایه دار است برای اینکه آنها عواید عمومی مملکت را زیاد میکنند و خودشان هم منفعت میبرند. اینکه می فرمودند تاجر ما اطلاع ندارند بعقیده بنده تاجران ما خیلی بهتر از دولت ما اطلاع دارند و اطلاعاتشان بر مراتب بیشتر است؟ چرا؟ برای اینکه يك تاجری که در بوشهر نشسته با چین و هندوچین و تمام بازارهایی که ترناك در آنجا بفروش میرسد در تماس است عامل دارد در آنجاها و از عامل متصل تلگراف میرسد دولت کجا این اطلاعات را دارد؟ دولت بعقیده بنده هیچ اطلاع ندارد. حالا بر فرض حال که دولت اطلاع داشته باشد اطلاعاتش را بدهد به تاجر ایرانی. ملاحظه فرمائید اصلاً فلسفه تاسیس قونسولخانه برای چیست؟ اصلاً برای کسب و دادن اطلاعات اقتصادی يك مملکتی است در خارجه حالا بفرمائید بفرسید از وزارت خارجه و وزارت تجارت که این قونسولهای شما کدام يك از صنعت تجارت شما را در خارجه رواج داده اند و به کدام يك از تاجران شما اطلاعات داده اند؟

که فلانجا فلان جنس مرغوب است خوست بفرستید؟ کجا چنین اطلاعی داده اند؟ غیر از اینکه دواير دولتی يك فرمالیته بازبهای بی روحی شده است. تصور میکنم انحصار ترناك هم همین حال را پیدا خواهد کرد. اینکه فرموده اند تنها راه رقابت در دنیا ارزان تر فروختن نیست بکلی اشتباه است اساس رقابت اقتصادیات در دنیا روی ارزان تر فروختن است. تنها همین است و اصلاً غیر از این هیچ چیز نیست هرکار خانه که بتواند مصنوعات خودش را يك قران ارزان تر بفروشد در بازار دنیا البته پیشرفت میکند اما البته با تساوی شرایط هر تاجری که بتواند با تساوی شرایط مال التجاره خودش را دهشاهی ارزان تر بفروشد البته پیشرفت خواهد کرد. انحصار در وقتی مفید است یعنی نگاه داشتن يك مال التجاره و فروختن در صورتی مفید است که رقبت نباشد. ما اگر مطمئن بودیم که در هندوستان ترناك نمیکارند در ترکیه ترناك نمیکارند ترناکشان به بازار های ما نمی آید البته ضرر نداشت که ما بگوئیم چون دولت مان ثروتش بیشتر از تاجر است ترناك را نگاه می داریم تا بقیمت گرانتر بفروشیم اما حرف این است که در مقابل ما آنها هستند و اگر ما نتوانیم ترناك خودمان را به بازار های دنیا ببریم آنها حتماً پیشرفت خواهند کرد. پس بنا بر این اینرا نمیشود گفت که ارزانتر فروختن چه اهمیت دارد. خیر آقا خیلی اهمیت دارد و در درجه اول اهمیت است و اساس تجارت دنیا روی ارزانتر فروختن است و این يك ضرری است که بعقیده بنده اگر دولت دست باین کار بزند به عموم وارد میشود. ما هم اهل این مملکت هستیم از امریکا نیامده ایم ادارات دولتی را خوب می شناسیم از جریان ها هم اطلاع داریم مخصوصاً با این شرایطی که میخواهند بگذارند مثلاً زارع قبلاً برود استجاره کند از اداره انحصار که آیا چند جریب ترناك بکارد نتیجه این میشود که دو ماه سه ماه بعد يك جواب فرمالیته برایش بیاید که دو جریب و دو گره ونیم بروید ترناك بکارید...

شیروانی - بعد از بدست آمدن محصول

دشتی - ما خودمان تماشا کرده ایم ما خودمان دچاریم. يك کسی نقل میکرد برای من که آمده بودند از آسیاب من مالیات بگیرند و من نبودم آدم من تقاضا کرده بود که صبر کنید تا فلان کس بیاید يك هفته دیگر می آید گفته که خیر يك هفته دیگر صبر نمی کنیم بالاخره آدم من کاغذی بمالیه نوشته بود که مهلت بدهید بعد از دو ماه که من آمده بودم و پول را هم داده بودیم از مالیه جواب آمده بود که مالیات پرداخته میشود. خود ما غالباً دچار این جوابها هستیم. پس فردا آقا زراعت ترناك گرفتار این میشود. شوخی نیست اینها! زراعت ترناك است اگر ده روز عقب افتاد بکلی از بین میرود با این فرمالیته ها چطور میشود ما مطمئن باشیم که این زراعت ترناك بهمین ترتیب که هست دوام پیدا کند علاوه بر این وقتی که اختیار با دولت است که هر زرخه را که میخواهد معین میکند ممکن است پس فردا برای زارع صرف نکنند که باین نرخ بفروشد خوب در اینصورت زراعت ترناك ممکن است از بین برود...

عمادی - آقا برای اینکار يك ماده دارد

دشتی - بله آقای عمادی اینها فرمالیته است. در طرز عمل ملاحظه خواهید کرد که چطور خواهد شد. الان قوانین صربختان عمل نمیشود چه رسد باینکه يك چیزی باشد که طرف زارع باشد. زارع اصفهان و شیراز و غیره جرأت دارند با دولت مدعی بشوند که شما فلان روز اجازه ندادید؟ یا اینکه نرخ اینطور است؟ پس این بعقیده بنده یکی از مضرات آن است که عایدی عمومی مملکت را بکلی از بین میبرد. یکی هم اینکه بیکعده از مردم ضرر وارد میآورد بیکعده مردم که مشغول کار و کسب و تجارتند شما بچه حق و مطابق چه حقی میخواهید کار و کسب آنها را از شان بگیرد؟ بالاخره در مملکتی که هیچ کار نیست و مردم متصل از دست بیگای فریاد دارند و می بینیم همه روزه دسته دسته هجوم میآورند به ادارات دولتی و میخواهند مستخدم بشوند بالاخره شما چهار نفر تاجر هم که دارید چهار نفر کاسب و چهار

نفر تریک کار هر که دارید میخواهید بگوئید اینها هم بیایند مستخدم دولت بشوند! این قسمت هم ضرر خصوصیت است که افراد را در این مملکتی که کسب و کار نیست از کسب و کار خودشان باز میدارید برای اینکه میخواهید تریک را بخرید آن منحصر کنید. و البته در خود لایحه در خیلی از موارد میشود ایراد گرفت در اغلب موارد مثل استیجازه و تعیین نرخ به نظر اهل خبره در يك مسئله خطرناك تر و مهمتر از همه این است که بنده در روز کاغذی داشتم از چند نفر نجار و شهر نوشته بودند که معاملات تریک يك چیزی نیست که ما امروز بکنیم برای فردا بعد از ۱۹۲۹ هـ معانی تریک خریدیم و فروخته ایم و هم سند داده ایم هم سند گرفته ایم در صورتیکه اینجا مدتش را باز کرده روزی قرار داده اند معنی از نجار بوشهر لان سصد چهار صد هزار تومان معامله تریک کرده اند فرمایند نتیجه این میشود که چند تا تاجر درجه اول بوشهر هم ورشکست میشوند بواسطه شیوع قاچاق متصل در آنکه و بنابر عباس و بوشهر تاجر ورشکست شده است و بواسطه این لایحه چهار پنج نفر تاجر درجه اول هم که داریم که در سالی تقریباً شش هفت میلیون صادرات مملکت شما میفروشند بکلی ورشکست میشوند. باید قلاً بک فکری برای مدت کرد اینها نوشته بودند که افلا دوسال تا سه سال به ماهیت بدهید که ما بتویم خودمان را از این معاملات فارغ کنیم برای اینکه هر کدام سیصد هزار تومان چهار صد هزار تومان آلوده شدیم در خانه عریضم فقط می خواهم این نکته را عرض کنم که ما بین ما دولت البته نقضتی نیست بنده خیال میکنم که دولت اشتباه کرده است در آوردن این لایحه خوبست اینجا گوشه ادله مخالفین بدهند و عرضشان این نباشد که بخواهند يك مغالطه بکنند و آنها را امتنع کنند ما همه مان در يك قضیه مشورت کنیم و اینیم که صلاح مملکت هست یا نه و باید از روی بیطرفی مطالعه کنیم ببینیم اگر اینها دلایلی دارند که آن را به منفعت مملکت تشخیص

میدهند ما البته حاضرم قبول کنیم اینکه گفتند برای حفظ ثبات ایرانی این لایحه مهم است بنده شخصاً در قسمت حفظ ثباتش مخالفی ندارم بنده برای حفظ ثبات داخله ایلاً تریک بفروش نرسد و در نتیجه پنجاه هزار نفر تریاک هم بپراند شده همیت نمیدهم بنده شخصاً اهمیت نمیدهم که پنجاه هزار نفر تریاک ببرد برای اینکه حفظ ثبات ایرانی بشود اما تجارت خارجی مملکت را نباید از بین برد بالاخره در سال ۱۹۱۴ شد چهارده میلیون صادرات تریاک داشتید که کماکان بیست میلیون هم شده است بالاخره حالا که بواسطه فشار دولت این تجارت کم شده است باز تقریباً هفت میلیون تومان میشود و این برای صادرات ایران که هیچ صادرات نداریم خیلی زیاده است و نباید از این جلو گیری کرد بکلی از بین برود.

فهیمی (مخبر کمیسیون قه این ماده) - مسئله انحصار تریک همینطور که در این دو جلسه آقایان فرمودند حقیقه يك مسئله دقیق و غرضی است آقای دینی اشاره فرمودند که دولت در آنها مطالعه نکرده اقدام میکند مثل مسئله راد آهن بنده تصور میکنم این بر عکس است زیرا در مسئله راد آهن قبل از آنکه دولت يك مطالعه دقیقی نکند يك پیشنهاداتی دادند که بعد در عمل ملتفت شدند آن نوع نتیجه ندارد ناچار شدند تغییر دادند (در اینموقع آقای رئیس از مجلس خارج و آقای دینیا صندلی ریست جلوس نمودند) لکن مسئله تریک غیر از آن است خطر آقایان هست که در اول ورود مجاهدین (مشروطه بان) قبل از اینکه مجلس افتتاح شود این فلادر دماغها ایجاد شد که يك مالیت جدید وضع کنند بر تنها تو و تونون و خصوصاً يك عوارض تریاک را قبل از اینکه مجلس افتتاح شود برقرار کردند و اداره نظمی که آنوقت در تحت ریاست پیرم ود عواند آنرا میگرفت بعد از افتتاح مجلس لایحه این مالیت را مجلس دادند لکن تمام نظر دولت وقت و

مجلس منحصر به جلوگیری از استعمال تریاک بود و هیچ قسمت تجارتي در نظر نبود و این مناسبت پس از مذاکرات زیادی که در این مجلس شد اتفاقاً در همان موقع هم بنده مخبر کمیسیون قوانین مالیه و مدافع آن لایحه بودم خیلی صحبت شد و قرار شد که شروع کنند از مثقالی سیصد دینار و تا هفت سال سالی صد و پنجاه دینار هم اضافه کنند باین شرط که بعد از هفت سال زراعت تریاک اصلاً از بین برود که هیچ زراعت نکنند. متن لایحه این بود. در همان اوقات هم مذاکره بود که دولت چینی هم زراعت تریاک را قدغن کرده است. دولت ایران هم باید این کار را بکند بعد متدرجاً مواد لایحه عملی شد و در موقعی که دولتهای وقت برای جلوگیری از زراعت تریاک يك پیش بینی هائی میکردند متوجه شدند به مسئله تجارت تریاک دیدند که منع زراعت تریاک يك لطمه بزرگی است از برای اوضاع اقتصادی و مطلب خوبی نیست که دولت برای جلوگیری از استعمال داخله زراعت تریاک را منع کند چنانکه تا بحال هم این قانون کاملاً بوقوع اجرا گذاشته نشده است و زراعت تریاک در مملکت باقی است ولی همیشه باز مطلب در تحت مطالعه بود که بچه وسیله منع استعمال تریاک را در داخله بکنند و برای صدور به خارجه هم جلوگیری نشود در این ضمن موضوع مذاکرات جامعه ملل پیش آمد و زراعت تریاک در دنیا یکی از مسائل بزرگ بین المللی شد همه داخل این صحبت شدند که چه باید نکنند که استعمال این سم مهلك را اصلاً از جامعه دنیا بر دارند صحبت هائی هم که در اطراف این امر شده است البته آقایان مسبقند و شنیده اند. برای جلوگیری از استعمال در داخله دولت هر چه فکر کرده است جز راه انحصار راه دیگری به فکرش نرسیده است زیرا دیدند اضافه کردن باندول یا نظارت کردن در زراعت بالاخره بوسایل مختلفه قاچاق میشود و تریاک هم در داخله هست و میبرند و میکشند و راهی بنظر نمی رسد جز اینکه استعمال تریاک داخلی را دولت در تحت نظر داشته باشد نمیتواند تریاک را که در خانه و قهوه خانه ها استعمال

میشود محدود کند و متدرجاً کمتر بشود از طرف دیگر همانطور که در جلسه قبل مذاکره شد برای اشخاصی که فعلاً معتاد به کشیدن تریاک هستند همه گونه مساعدت هائی هم میشود از قبیل دادن دواهای مجانی و طبیب مجانی همه جور همراهیها برای اینکه در آتیه ترک بکنند لکن در عین حال باید دولت تریاک در دست خودش باشد تا از شر قاچاق جلوگیری شود. . . .

آقا سید یعقوب - آنوقت بدتر میشود. . . .

کازرونی - قاچاق ترویج میشود. . . .

شیروانی - برای مصرف داخلی صحیح است مخبر - رایرت کمیسیون سابق هم که بنظر آقایان رسیده است در ابتداء امر نظر همین بود و با موافقت دولت اینطور در نظر گرفته شد که تریاک که برای استعمال داخلی مصرف میشود جداً در تحت نظر و انحصار دولت باشد ولی تریاک که بخارج میرود برای تجارت آنرا آزاد بگذارند در دست نجار نهایت در تحت نظارت دولت باشد آقای مدرس در جلسه قبیل اظهار فرمودند که اگر يك قرار هائی در جامعه ملل بدهند برای عمل تریاک بالاخره لازم نیست که ما اول شروع کنیم دیگران شروع کنند ما هم دنبال آنها میرویم. ولی از آنطرف ما باید فکر کنیم که وقتی در جامعه ملل يك قرار هائی دادند همه شروع کردند ما نباید عقب باشیم و مقدمات کار را باید قبلاً بعمل میاوریم برای اینکه اگر سارین قرار می گذارند متفقاً که تریاک زراعتش متروک بشود یا محدود بشود و همه هم شروع کردند ما هم ناچاریم آن قرار هائی را که داده اند تعقیب کنیم چنانچه الان هم دولت انگلستان در هندوستان زراعت تریاک را رو بنقصان گذاشته و سالی يك عشر کسر کرده اند و دارد این کار را میکند چنانچه در جلسه آتیه جامعه ملل هم همین مطلب جزء دستور است و مذاکره خواهند کرد و اگر يك تصمیماتی دیگران گرفتند البته ما هم باید عمل کنیم. . . .

شیروانی - چرا باید عمل کنیم؟

مخبر - ما جلو نباید بیفتیم ولی پس از اینکه همه

اقدام کردند ما هم یکی از افراد هستیم و بعلاوه این نکته را هم آقایان بدانند که مملکت ایران از حیث مقدار محصول تریاک در درجه ششم و هفتم است و کمتر از جاهای دیگر تریاک دارد یعنی بعد از ترکیه و هندوستان و یونان است و آنها بیشتر دارند ولی از حیث جنس تریاک ایران مقدم است و از تریاک همه جای دنیا تریاک ایران از حیث مقدار مرفین مرجح و بهتر است و چیزی که قدری باعث نکت تجارت تریاک ایران شد عملیات بعضی از تجار خودمان است زیرا تریاک جاهای دیگر بد بود و برای اینکه تریاک خودشان را مقدم بدانند و ترجیح بدهند بر تریاک ایران آمدند تریاک ایران را خریداری کردند و چیزهای دیگر بان مخلوط کردند برای اینکه مرفینش کسر بشود و تریاک ایران را خراب کنند و این عمل را تجار خودمان هم کردند وقتی دیدند که فایده دارد شروع کردند باینکار و همین عمل سبب شد که تریاک ایران را قدری تنزل داد و صفات مخصوصی را که تریاک ایران داشت بواسطه مخلوط کردن اشیاء خارج از بین بردند حالا دولت در نظر گرفته است اولاً مصرف داخلی را بکلی بتواند منحصر کند و بعد متدرجاً موقوف کند و نانیاً تجارت این عمل را در تحت نظر بگیرد و از آن معایبی که درش پیدا شده است جلو گیری شود و رفته رفته بدون اینکه ضرری به مملکت بخورد با اینکه زراعت تریاک را کم کند یا اقل بهمین حال باقی نگذارد. در این لایحه جدید ظاهراً انحصار تجارت خارجی را هم دولت باخودش کرده لکن در ضمن عمل قرار نگذاشته اند که تجارت این مواد را به تجار واگذار کنند نهایت با شرط تحصیل جواز و این انحصار و این شرایط برای این است که بلکه اولاً از عملیاتی که نسبت به تریاک میکردند و او را در جزء تریاک درجه چهارم و پنجم قرار میدادند جلو گیری شود که معلوم شود که هر مقداری که از هر نقطه خارج میشود چه قدر مرفین دارد زیرا از روی مرفین تریاک درجه خوبی و بدی را تشخیص میدهند تریاک ایران از صدی پنج تا یازده

مرفین دارد و از روی میزان مرفین میتوانند تشخیص بدهند که این چه قسم تریاکی است و از روی مقدار مرفین جواز میدهند و باید این جواز در تحت نظارت دولت باشد و تریاک در صندوقهای بسته از مملکت خارج شود و دولت باید اولاً احصائیه تریاک را داشته باشد و ممکن نیست این احصائیه را دولت تحصیل کند مگر اینکه از اول زراعت بتواند به زارع برای کاشتن جواز بدهد و هیچ اشکالی هم ندارد. بنده هم مخالف نیستم که بعضی فرمالیته های اداری اسباب تعویق کار میشود ولی اینجا يك موردی است که اگر تعویقی در کار شود موجب يك ضرر فوق العاده برای خود دولت خواهد شد. اگر اشخاصی که زراعت تریاک میکنند دو ماه سه ماه قبل از وقت بیایند اجازه بخواهند که ما میخواهیم زراعت تریاک بکنیم. مقدار را هم اگر خواستند معلوم کنند و اگر نخواستند معلوم نکنند (بطوریکه در لایحه قید شده است) مأمورین هم مکلف باشند که بدون تعلل اجازه را بدهند آنوقت از روی این اجازه نامه ها دولت میتواند يك احصائیه کاملی از مقدار زراعت تریاک در دستش باشد و داشتن احصائیه برای مملکت يك مسئله خیلی بدی نیست و لازم است و از همه چیز دولت باید احصائیه داشته باشد خیلی خوب است و هر مملکتی که بخواهد داخل رشته تمدن بشود اول مسئله را باید درست کنند این است که احصائیه آنچه که در آن مملکت است باید در دست داشته باشد و منحصر به تریاک هم نیست بلکه در هر مورد دولت این کار را بکند و احصائیه زراعت مملکت را هم از مصرف داخلی و خارجی داشته باشد. در این کار هم البته لازم است که دولت مقدار زراعت و مصرف داخلی و خارجی را بداند که برای مصرف داخله بتواند متدرجاً از استعمال آن جلوگیری کند تا به حدی که بکلی ممنوع شود و مصرف خارجی را هم بداند و در دست داشته باشد و تحت نظر دولت باشد که در مسائل عمومی و بین المللی هر قضیه که برای تریاک اتفاق می افتد دولت مراقب باشد که يك مرتبه تجار ملتفت نشوند که بسته های تریاکشان

مانده است و به جایی نمیتوانند حمل کنند و دولت هم هیچ اقدامی نکرده است. بنده هم هم عقیده هستم با آقایانیکه میفرمایند که دولت تجارت نمیتواند بکند و دولت زارع و تاجر خوبی نیست و این مطلب معین و واضح است لکن در بعضی موارد دولت باید این کار را بکند مثلاً در ممالک خارجه غالباً ملاحظه میفرمائید که باروت را دولت منحصر میکند بخودش و اجازه فروش نمیدهد. کبریت را منحصر به خودش میکند و از آن قبیل چیزها را دولت خرید و فروشش را بخودش انحصار میدهد چون این چیزها از ضروریات زندگانی که نیست البته اگر دولت بخواند گندم را بخودش انحصار بدهد خوب نیست لکن تریاک را که دولت مقید است که در داخله از استعمالش جلوگیری شود و تجارت خارجی آن هم در معرض يك مذاکرات و مزاحماتی واقع شده است دولت باید این کار را بکند نهایت هنوز دولت برای مساعدت تجار و کسبه که از این راه استفاده میکنند حاضر نشده است که دست آنها را کوتاه کند و اسم انحصار روی این بگذارد ولی برای اینکه يك احصائیه کاملی از تجارت خارجی این مال التجاره داشته باشد و عملاً هم يك کمک به تجاری که میخواهند تریاک را خارج کنند بکنند این کار را می کنند. این که فرمودند دولت فقط می خواهد يك فایده یولی از این جا ببرد عرض کنم که فقط فایده یولی نیست زیرا اگر تجارت این کار کم شد البته برای دولت ضرر دارد این پیش بینی است که دولت برای تجارت آنیه مملکت میکند و باید بداند که این تجارت تا چه اندازه پیشرفت خواهد کرد فرضاً ما آزاد گذاشتیم که تریاک از مملکت خارج شود اگر دیگران در خاک خودشان ممنوع کردند آنوقت برای ما چه صورت پیدا میکند؟ البته دولت باید اینها را در نظر بگیرد و باید بداند که تصمیمات سایر دول راجع به این امر چیست. بنده کاملاً موافقم با آقایان که تا وقتی که سایرین يك قدمهای اساسی برای اینکار بر نداشته اند ما يك قدمی روی این کار برنداریم و تجارت خودمان را

حفظ کنیم ...

مدرس - پس این لایحه را پس بگیرد.

مخبر - اگر آنها شروع کردند به محدود کردن آنوقت ما هم میرویم دنبالشان ولی تا وقتی که آنها شروع نکرده اند ما هم شروع نخواهیم کرد و این نظر هم مانع از این نیست که از حالا پیش بینی آنچه خودمان را بکنیم اگر این پیش بینی نشود يك وقتی را يك محظوری می بینیم دیگر که هیچ کاری از ما پیشرفت نمیکند و باید این کار را دولت بکند که عملیاتی که تجار ناچار کرده اند جلوگیری کنند و نگذارد که موجب شکست تریاک ایران در خارجه بشود و فعلاً با يك جوازی این کار در دست تجار است تا وقتی که بعد از يك مدت تجربه ما به بینیم که تجارت این کار در خارجه چه جور میشود و انحصار بدست دولت چه قسم خواهد بود و البته دولت اگر این کار را عاقلانه بکند بسیار عمل مفیدی است هم برای خود دولت و هم برای تجار ولی اگر در اداره کردن آنطوری که لازم است عمل نشود نتیجه مطلوبه حاصل نخواهد شد.

نایب رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده مخالف اقداماتی که در زمینه محدود کردن معاملات تریاک باشد نیستم ولی تحویل گرفتن از زارع و گذاشتن در انبار و داشتن يك نظارت دولت اینها اگر برای مقاصد باشد که همه ما در نظر داریم هیچ ضرر ندارد ولی بهیچوجه بنده سر خرید و فروش دولت را نمیتوانم بفهمم. این لایحه وقتی که اینجا آمد اول چیزی که بنظر بنده رسید این بود که دولت از مداخله در عمل تریاک آن فواید و مقاصدی که از این کار بهتر است در نظر دارد. این جا سه مقصود ممکن است دولت در این کار داشته باشد. یکی از آن مقاصد این است که دولت مداخله میکند برای اینکه يك مالیاتی از این کار حاصل کند و فایده برای دولت داشته باشد. این از چیزهایی است که اصلاً به خاطر بنده رسیده بود و اگر بخاطر هر کس رسیده بود خیال میکرد که این مسئله ادنی فایده این کار است مطلب

دوم تحدید استعمال تریاك در داخله مملکت و مقصود سوم تحدید انتشار تریاك در خارجه برای غیر مصرف طی این دو مسئله اخیر خیلی مهم تر از مسئله مالی است که دولت در نظر دارد همینطور که بعضی از آقایان اظهار فرمودند که شایسته نیست که دولت تجارت را از دست بخار بگیرد برای اینکه خودش فایده ببرد بنده همین عرض را میکنم که مهمترین فایده از دخالت دولت در عمل تریاك هست و فایده غیر قابل قیاس است این است که در داخله تریاك را محدود کند بلکه براندازد ولی بدبختانه در این لایحه هیچ آثاری از این قضیه پیدا نمیکنیم اگر چه اظهار داشته اند که این مقصود هم هست و دولت نیتش این است که بتدریج مصرف داخله تریاك را براندازد ولی این نیست اگر در خیال دولت است هیچ آثاری در این لایحه از آن ظاهر نیست بلکه دولت این جا صراحتاً مکرر کرد و معنی از آقایان هم موافقت که کشت و زراعت تریاك محدود نشود. بنده عرض میکنم اگر زراعت تریاك را محدود نکنند این اندازه تریاکی که الان کاشته میشود قطعاً يك مقدارش را هم مردم ایران میخورند و میکشند و يك مقدارش را بخارجه میفرستند باید به بینیم که چه کاری میشود کرد که مردم ایران تریاك نخورند و نکشند؟ البته باید کمتر بکاریم و زراعت آرا باید محدود کرد، در صورتیکه غالب آقایان داد میزنند که زراعت تریاك نباید محدود بشود بنده بالعکس معتقدم که زراعت تریاك را باید بتدریج کم کرد بطوری که يك مثقال تریاك گیر اهل این مملکت نباید که بخورند یا بکشند...

کازرونی از هندوستان می آورند.

تقی زاده - آقا البته در موقع خودش شما هم مقصود خودتان را بیان میکنید. بنده عرض میکنم که با از هندوستان با از هر مملکت دیگری بیاید ما باید تمام وسائل را اتخاذ کنیم که يك مثقال تریاك گیر اهل این مملکت نیاید که بخورند یا بکشند اگر از خارجه هم بیاید باید جلوی قاچاق را بگیریم اگر از داخله می آید

و در داخله حاصل میشود باید دولت جلوگیری کند و این کار بقدری مهم است و باندازه غیر قابل قیاس است با آن مقاصد دیگر که باید دولت تنهیا مقصود اساسیش در این لایحه این باشد. ولی در این لایحه يك ماده نیست که دولت وقتی که این تریاك را تحویل بگیرد و در انبار میگذارد بگوید که برای مصرف داخله فعلاً خود دولت فلان قدر فعلاً بطور میفروشد ولی پس از دو سال یا پنج سال یا ده سال اصلاً مصرف داخله هیچوجه بفروش نیرسد و هر کس تریاك کش است مثلاً دولت چند سال باو مهلت میدهد که ترك کند و وقتی این نظر در اینجا گفته شده است اگر ما منظورمان از این لایحه منفعت مالی باشد ایداً فایده ندارد و اگر مقصودمان این باشد که دولت استعمال تریاك را در داخله موقوف کند و در خارجه هم چنانچه گفته شد متناسب با اقدامات دیگران کاری کنیم که سایر افراد ملل دیگر هم نکشند و نخورند و فقط برای مصرف طی باشد در اینصورت لازم نیست دولت خودش مباشر خرید و فروش تریاك باشد میخواهد تریاك را از اهالی بخرد بخرد جواز برای تریاك بدهد تحویل بگیرد و در انبار ببرد ولی مال صاحب تریاك باشد زیرا وقتی که دولت تریاك را لاک کرد و مهر کرد ولو اینکه صاحبش هم میخواهد بفروشد باز برای اینکه احصائید کاملی داشته باشد و برای اینکه اطلاعات کامل داشته باشد و بداند که این تریاك کجا می رود کافی است. بنده میترسم از اینکه اشخاصی که در خارج ضدیت با زراعت و تجارت تریاك میکنند مخالفت همه شان صمیمی و خالصانه نباشد و البته بعضی ها میترسند که به تجارت تریاك صدمه بخورد و يك چیزی که پیش بعضی از آقایان جالب نظر است این است که میترسند این پولی که برای تریاك از خارجه می آید دیگر نیاید اگر مقصود ما این است که این تجارت زمین نخورد و این پولی که از خارجه می آید بریده نشود باید تمام فکر خودمان را صرف این بکنیم که تجارت خارجی تریاك ما از بین نرود ولی نباید يك کاری بکنیم که دست دولت را به بندیم که استعمال داخلی

تریاك را هم دولت نتواند منع کند. این کسب در آن قسمتی که راجع به استعمال داخلی است اگر چندین میلیون برای فروشندگان فایده داشته باشد از طرف دیگر کرور ها برای این مملکت ضرر دارد بطوریکه منفعت آن هیچوجه قابل مقایسه با ضررش نیست زیرا که استعمال تریاك نسل این مملکت را ضایع میکند و این ملک را میکشد. در قسمت تجارت خارجه هم دولت ایران با بعضی از ممالک دیگر در این تجارت رقابت دارد. اولاً در مملکت ما تریاك کاری به این درجه شیوع نداشت و سابقاً اینقدر کاشته نمیشد آنچه که بنده ملتفت شده ام در چهل یا پنجاه سال پیش از این که درست تاریخش خاطر نیست بواسطه مرض که در پیله ابریشم حاصل شد و این کار زمین خورد مردم بیشتر بجای تربیت کرم ابریشم تریاك کاشتند و کم کم شیوع پیدا کرد. پس اگر ما میخواهیم تدبیر زراعت تریاك را محدود کنیم و بطور قطع زراعت تریاك را از بین ببریم باید فکر يك چیزی بکنیم که جای زراعت تریاك را بگیرد ولی حالاً می بینیم که هیچ آثاری در این لایحه ندارد. بنده عرض میکنم که شوات باید مسالماً يك فکری کنند که يك قدم زرگی برای منع کشت و زرع تریاك بر دارد. بعضی از آقایان اشاره به این کردند که ما وقتی از تجارت خارجی خود مان باید دست بر داریم که دیگران هم این کار را بکنند. این يك فرضی است که باید برای این فرض ما خودمان را از حالا مهیا کنیم زیرا دیگران دارند این کار را میکنند یعنی بعضی از ممالک قوانینی گذرانده اند زراعت تریاك را تحت نظارت دولت آورده اند و بی اندازه محدودش کرده اند آنچه که بنده اطلاع دارم در هندوستان يك قانونی وضع کرده اند که در هر سال يك عشر از زراعت تریاك را کم میکنند که پس از هشت سال زراعت تریاك در هندوستان قدر يك عشر آن میباشد که سابقاً بود. بعضی ممالک قوانینی گذرانده اند که کشتی هاشان تریاك حل نکنند. اگر بعضی ممالک دیگر هم با ما رقابت دارند در تجارت تریاك خارجی ممالکی هستند که در داخله خودشان هیچ تریاك

مصرف نمیشود و نیمه تریاك آن در خارجه فروخته میشود پس بطور کلی ما باید این سه نکته را در نظر داشته باشیم. اولاً باید تریاك را کاملاً تحت نظر دولت بیاوریم برای این مقصود که در داخله مصرف تریاك را کلی براندازیم. ثانیاً خودمان را مهیا کنیم که در مصرف خارجه اش هر وقت خواستیم تقلیل بعمل بیاوریم برای ما ممکن باشد و هر وقت که منافع سیاسی و اقتصادی ایران را دیدیم که مهیا است و لازم است تجارت خارجی را هم محدود کنیم چون نه تنها ما قصد داریم که در داخله مملکتمان کسی تریاك نکشد بلکه میل هم داریم که از تریاك کشیدن دیگران هم جلوگیری شود و يك چیزی را که ما میل نداریم در داخله خودمان استعمال شود البته نباید راضی شویم که دیگران هم استعمال کنند و دیگران را مبتلا کنیم ولی البته این در موقعی است که راهی دیگر روی آن مردم بسته شود و فقط راه تریاك ایران باز باشد. آنگاه است که ما هم باید راه خودمان را مسدود کنیم. عرض دیگر اینکه مصرف طی تریاك در دنیا خیلی کمتر از آن است که الان کاشته میشود. آنچه که بنده اطلاع دارم در سال پنجاه هزار خوراک در تمام روی زمین تریاك کاشته میشود و از این مقدار قریب چهار هزار و با صد گیلو فقط برای مصرف طی لازم است یعنی هزار يك كل محصول تریاك و این کاربرد بازود بعمل خواهد آمد یعنی همه عقلائی ملل به این خیال هستند که این زراعت را بتدریج محدود کنند و براندازند و باید مقصود همه را بشکند این کار دست دولت باشد این باشد که مصرف داخلی آرا بکلی ممنوع کند و مصرف خارجی را هم محدود کند و اصلاحیست دولت نیست که آنچه را که خودش معتقد است که نهایت ضرر را برای مردم دارد و نه قول آقای مدرس حرمان است خودش مباشر فروش آن باشد و يك کار غیر جائز حرامی را بکنند و نباید این کاری که الان داریم نمیکند بکنند چنانچه در مسئله تحدید مکرر تکلیف شده است که مأمورین تحدید برای يك قریه فلان مقدار مصرف تریاك را مینویسند و سال



دیگر که مصرفش کم میشود مأمورین استدگی کرده اند که باید همانقدری که سال قبل مصرف شده بود مصرف شود این کار برای دولت متناسب نیست و واقعاً مثل این است که دولت یکی از مضرتین کارهای دیگر را که برای ملت مضرت است در دست خودش گرفته باشد. این چیزی که در این لایحه کم بود و با وجود نبودن این مطلب در این لایحه بنده موافق این ترتیب انحصار نیستم برای اینکه مصرف داخلی تریک یعنی خرید و فروش آنرا دولت خودش در دست گرفته است و علاوه بر این برای پرداختن مصرف داخلی تریک در این لایحه چیزی منظور نشده است و ایدام فکری برای تبدیل زراعت تریک زراعت دیگری (در صورت کم کردن آن سال بعد در این لایحه) نگرفته است پس در اینصورت که دولت میخواهد زراعت تریک را محدود کند و میخواهد مصرف داخلی تریک را بر اندازد و میخواهد بهمان اندازه که تریک در داخله مصرف بشود حالا هم مصرف شود و خودش بفروشد شاید بیشتر دولت سعی کند که مصرف برسد در اینصورت هیچ مقصودی از این لایحه باقی نماند مگر موضوع فیده مالی آن و این هیچ شایسته نیست برای دولت که خودش مباشر يك کاری که مضرت است بشود و این کار را از دست تجاری که از این راه فیده میبرد بگیرد که خودش فایده ببرد. بنده در صورتی که این لایحه موافق میشوم که دولت جواز برای زراعت تریک بدهد و در انبار دولت بماند و در تحت نظارت دولت باشد بشرطیکه دولت آنرا بخرد و خودش بفروشد و بشرط این که در این لایحه پیش بینی کنند که تا چه موقعی میخواهد مصرف داخلی تریک را کاملاً محدود کند زیرا که استعمال تریک يك بلائی است برای این مملکت و باید يك فکر خیلی اساسی برای اینکار بشود. البته آقایان مطلعند که دولت چین چند سال قبل جزای اعدام برای مصرف تریک معین کرد و البته در ایران هم تا يك اقدام اساسی برای پرداختن تریک نشود این لواحق جزء مستحبات و جزء يك قضایای غیر معتدبه خواهد بود. پس اولاً دولت

باید خرید و فروش را منحصر به خودش نکند فقط در انبار گذاشتن و محدود کردن و نظارت کردن آن با دولت باشد تا با پرداختن مصرف داخلی را منظور نظر خود کند که بهر وسیله و هر چه زودتر بلکه مصرف داخلی را ممنوع کند و ثالثاً تبدیل زراعت تریک به زراعت دیگری با يك منبع عایدی دیگری فکری بکند. علاوه بر اینها اگر دولت بخواهد خودش تریک را بخرد و بفروشد باید مبلغی در بودجه منظور کند و در اینجا دیده میشود که دو میلیون تومان از عایدات مملکتی میخواهند برای خریدن تریک تخصیص بدهند در چندی قبل مجلس شورای ملی يك بودجه تصویب کرد که در آن بودجه تمام عایدات مملکت در يك طرف جمع زده بود و رتب مخارج هم در طرف دیگر نوشته بود و هر دو جمع مساوی بود. معنی آن این بود که این عایدات تخصیص داده شده است به این مصارف معین و چیزی زیاد نمیباید این بودجه که ما داریم برای چیست؟ اولاً از کجا است که هر هفته یا هر دوروز علی التوالی يك لایحه به مجلس می آید که صد هزار تومان برای فلان کار هشتاد هزار تومان برای فلان کار، سی هزار تومان جهت فلان کار دو میلیون تومان برای اینکار؟ آیا این از يك منبع دیگری غیر از آنکه عایداتش در بودجه معین شده است می آید؟ اگر از محل عایداتی است که در بودجه پیش بینی شده بود این اسباب زحمت بودجه خواهد شد و در آخر سال باعث نقصان بودجه میشود به این جهت بنده پیشنهاد میکنم که دولت خرید و فروش را منحصر به خودش نکند ولی از دست زارعین و مالکین تریک را بگیرد و در انبار نگاهدارد و هر وقت هم میخواهند خارج کنند اجازه بدهد تا هم بداند به چه مصرف میرسد و هم به اجازه دولت به آن مصرف برسد.

وزیر مالیه - اعتراضات نمائنده محترم به این لایحه به سه مطلب مهم است یکی اینکه چرا در این لایحه دولت ماده از برای موقوف کردن زراعت تریک نگذاشته است یکی دیگر اینکه چرا در این قانون وسیله برای

بر انداختن مصرف داخلی تریک معین نشده است بالاخره يك مطلب دیگری که هست در سر اعتبار است البته این اعتراضاتی که کردند هر کدام بجای خودش صحیح است بنده در ضمن مذاکراتی که این جا در جلسه گذشته بعرض آقایان رساندم عرض کردم که يك جریان و يك سیاستی در دنیا نسبت به موقوف کردن زراعت تریک موجود است و يك تکلیفاتی هم به دولت کرده اند و يك انتظاراتی هم از دولت ایران دارند و البته در آن حدودی که این سیاست مربوط به حفظ الصحة عمومی دنیا است هیچکس اصولاً مخالفتی ندارد ولی خیلی فوق است این سیاستی که در جامعه ملل ما در اروپا جریان دارد و این سیاست معلوم نیست که امروز یا دو سال دیگر یا ده سال دیگر یا بیست سال دیگر بموقع عمل گذارده شود یا وظایف يك مجلس یا يك دولتی که در مملکت او يك تریک کاری بزرگی وجود دارد و تجارت مهم خرجی آن مملکت تریک است این خیلی فرق دارد. بنده خیال نمیکنم که امروز مجلس شورای ملی مصمم باشد و موافق باشد با اینکه زراعت تریک را ما بر طرف کنیم.

بعضی از نمایندگان - صحیح است. ابتدا مجلس موافق نیست.

وزیر مالیه - در لایحه که سابق پیشنهاد کرده بودیم يك ماده داشت مبنی بر اینکه دولت بعد از سه سال تأمل شروع خواهد کرد که سالی يك عشر از زراعت تریک را کم کند و بعد از انقضاء سال سوم که سال ششم میشود از تاریخ تصویب مجدداً در مسئله تجدید زراعت تریک تجدید نظر کند و نتیجه را ببیند که بعد يك تصمیم قطعی گرفته شود. آقای نقی زاده: ما هر چه کردیم در کمیسیون قوانین مالیه که با ما در این ماده موافقت کنند موافقت نکردند بالاخره ما که قوه مجریه هستیم باید سیاست و مصالح مملکت را بر طبق سیاست و خط مشی که مجلس شورای ملی اتخاذ میکند اجرا کنیم...

نقی زاده - از مصرف داخلی حرف بزنید بخارجی کاری

نداریم.

وزیر مالیه - اجازه بدهید آنرا هم عرض میکنم چون مطلب را سه قسمت فرمودید بنده هم جواب هر سه قسمت را علیحده عرض میکنم. ولی از آنطرف البته بنده این عقیده را دارم و همه آقایان هم این عقیده را دارند حتی همین اعضاء کمیسیون قوانین مالیه که با آن ماده موافقت نکردند این عقیده را دارند که ما با سیاست زراعت تریک را بموقع خودش کم کنیم و در مقابلش يك عوض فکر کنیم که آنچه که امروز از این حیث پول از خارج مملکت ما وارد میشود از راه دیگر وارد شود و اگر کسی بگوید جلوی زراعت تریک گرفته نشود این منطقی نیست منتها از این میترسند که عوض که برای تریک معین می شود جای زراعت تریک را بگیرد و اینکه بزودی نشود. ما فکر کردیم که راه انحصار تقریباً يك مقدمه است برای تمام این مسائل، یعنی به دست گرفتن این زراعت و به این ترتیب تمرکز دادنش در تحت نظر دولت يك راه خوبی برای فراهم کردن مقدمات این کار است برای اینکه آنوقت همیشه ما میتوانیم مواظب باشیم و تمام مصرف داخلی و خارجی تحت کنترل بماند باید بازار را به بینیم. و به بینیم حقیقتاً مصرف طی که آقای نقی زاده فرمودند به این اندازه کم است که نمیتواند بالاتر از این باشد؟ به بینیم این همه دول اروپائی از قبیل دولت فرانسه و آلمان و غیره که مشغول هستند و میخواهند برای بیست سال بیست و پنجسال خوارها از ما تریک بخرند برای چه میخرند؟ مگر آنها دول اروپائی نیستند؟ مگر عضو جامعه ملل نیستند؟ مگر آنها به اندازه بنده و سرکار بصیرت به این جریانهای سیاسی ندارند؟ آنها برای چه میخواهند؟ آنها ناچار يك مصرفی دارند خوب انهم يك بازاری است. پیدا کردن زراعتی هم عوضی تریک در این مملکت بی آب که وضع کشت تریک يك طوری است که در يك موقعی کاشته میشود که آب مصرف دیگری ندارد. در يك مملکتی که وسائل تقلیه بقدر کافی نیست پیدا کردن عوض کار مشکلی است

این است که نمیتوانیم در ظرف امروز و فردا بگوئیم عرض آنرا پیدا میکنیم ولی بدیهی است دولت تا آن حدی که منافع عمومی دنیا و منافع نژادی خودش را بشود بکس میزند و مخالف مصالح اقتصادیست هم نیست موافق است و اداره الحصار و در تحت نظر گرفتن هم یکی از عادتش همین است که بهتر میتواند در این قضیه مدافعه کند پس تصدیق بفرمائید که امروز بغیر از آنچه که اینجا گفته شد و اظهار شده است و اینکه يك قانونی از مجلس بگذرانیم یعنی آقایان رأی بدهند غیر از این و بهتر از این نمیشود. ولی ما نمیتوانیم حالا اینجا معین کنیم که چه قسم منع شود و عوض چه قسم باشد اینها يك چیزهایی نیست که حالا بطور قطع و یقین معین کنیم پس بنده تصور میکنم اگر ما بخواهیم مطابق مصلحت عمومی مملکت خودمان عمل کنیم و این کار را کرده باشیم راهش این است که این الحصار را تصویب کنیم و آنوقت دولت برای اصلاح امور اقتصادی هر قدری را که لازم باشد در آتیه بردارد می آید به عرض مجلس میرساند که هر قسم سلاح دانستند عمل شود ولی حالا که ما میخواهیم يك قدم خیلی کوچکی برداریم می بینیم که مساعدت نمیشود علت اینهم که مساعدت نمیشود وضعیت مملکت است البته مملکتی ما اجازه نمیدهد که مجلس شورای ملی بپایند اینجا بنشیند و من را مجاز کند که در ظرف ده سال زراعت تریاک را موقوف کنم زیرا هنوز نمیتواند بداند که من میتوانم عوض این زراعت را معین کنم یا نه؟ ولی وقتی این الحصار تصویب شد دولت بهتر میتواند مدقه کند و البته در ضمن عمل عوض را پیدا میکنیم وقتی پیدا کردیم می آوریم اینجا نشان میدهیم وقتی که نشان دادیم آقایان موافقت میکنند ولی پیش پدش تقاضای تعیین موقعش چیز بی موردی است زیرا خیلی مشکل است. آمدیم سرمصرف داخلی اگر آقای تقی زاده اینطور تصور کرده اند دولت معتقد است که مصرف داخلی باید رواج پیدا کند و رواجش بیشتر شود که دولت عایدی داشته باشد این را قطعاً اشتباه فرموده اند. هر قیمت و هر

عایدی هر قدر هم زیاد باشد موافقت نمیتواند کند تا اینکه فرادین مملکت و اهالی این مملکت از این عادت بدر از این سم مهلك خلاص شوند پس هیچ وقتی ما حاضر نیستیم که این تروج را بکنیم ولی بنده تعجب میکنم از کجای این لایحه پیدا کرده اند که این تروج است و چرا تغییر نمیشود که مقدمه جلو گیری است جلو گیری را چگونه باید کرد اول راهش این است که ایستای از قچاق جلو گیری کرد. هم قچاق داخلی و هم قچاق خارجی و باید وسائل تهیه کرد که حقیقتاً جلو گیری شود و باید اسباب حفظ اصحه و غیره فراهم کرد که این عادت بد ترك شود و البته این کار وسائل میخواهد و آقای تقی زاده تصدیق میفرمائید که ما نباید بواسطه قتل عام تریاکها جلو این کار را بگیریم. تریاک يك سمی است خیلی مؤثر که باقی و يك طبیعتی که عادت کرد بیست سال بیست و پنجسال تریاک بکشد این را باید برایش وسائل تهیه کرد تا رفع شود باید کاری کرد که بچه اش زبانی شود و الا این نفس غرض میشود. امروز میخواهیم حفظ زیاد بکنیم نه اینکه بکمترتیه يك سم است تریاک را قتل عام کنیم این يك تصمیم چنگیزی است و امروزه نمیشود و در این دوره مشکل است این راه را رفت باید راه پیدا کرد و بهترین راهش همین قضیه الحصار است اینجا ما آمدیم اولین کاریکه که کردیم قیدت را گرن زدیم حالا اگر آقای تقی زاده میخواهد به این قیمت هم اضافه شود من هم قبول میکنم که در هر سال قیمت با مؤسسه الحصار دورا بر کند حالا دوریال است سال بعد بکنند چهار قران پنجقران بنده هم حرفی ندارم ولی راه های حقیقی راه های حفظ اصحه ایست تهیه وسائل تبلیغی است و بالاخره مشکل کردن تهیه اش برای مردم و در این مملکت هیچ چیزی مفید تر از این نیست که راه تهیه کردن و بدست آوردن این سم مهلك را مشکل کرد از هر راه خواه گرانی قیمت خواه راه های دیگر آن وقت خود اشخاص در صدد بر می آیند که این عادت را ترك کنند

و از بین ببرند فرضاً اگر يك مثقال تریاک می کشند يك نخود نکشند برای بنده دیگر پولش را بداند و فرود از سرشان می افتد. آنها نمیدانند الحصار موجود است و هیچ راه دیگری برای رسیدن به این مقصد بهتر از الحصار نمیشود. قسمت يك که اظهار فرمودند که این پولی را که میخواهیم برای مؤسسه الحصار فراموش کردیم این قسمت را عرض کنم يك چیز هم فرمودند که این عمل مذمومی است که دولت فروشنده يك سمی باشد آیا رواج به دن این سم و جلو گیری کردنش بهمان اندازه مذموم نیست برای يك دولت و يك مملکتی با يك باغی هائی است که وقتی انسان را آه بر چه دست باید گذاشتن کند و برایشن چاره پیدا نکند از گفتن کلیات هم درست نمیشود. بهمان اندازه که برای يك دولتی تمام زراعت تریاک را درو نکنند و خراب نکنند از نقطه نظر تریاک کشی مذموم است بهمان اندازه هم که در دستهای مختلف فروش میرسد در داخله مملکت مذموم است و گمان میکنم تقریباً دوازده فروش آن در دستهای مختلف فروش رسد مذمتش کمتر باشد زیرا این که از این راه بهتر میتوان جلو گیری کرد شما نباید بگوئید دولت نه فروشانده باشند نه خریدار خوب جمع کنند در بازار برای چه همه اش را آتش زند و زرد دور که در داخله هیچ مصرف نشود؟ عرض کرده و مسئله لازم دارد باید طرقی را در نظر گرفت که مؤثر باشد و بعقیده بنده بهترین وسیله برای این مقصود همین است که دولت این کار را بکنند در ضمن هی مشکل ترانی بکنند قسمت يك راجع باعتبار بود عرض کنم همانطور که آقای تقی زاده فرمودند بودجه جمع و خرج بن مملکت را دولت مجلس شورای ملی تقدیم کرد و تصویب هم شده است تا يك معادله جمع معین و خرج معین ولی این دو میلیون تومان که اینجا ذکر شده است يك خرجی نیست و این يك پولی نیست که ما از بودجه عمومی بدهیم که مصرف شود. این مؤسسه الحصار يك سرمایه میخواهد. ای شروع بکار و شاید در سال دوم این سرمایه

را بخواهیم تا اگر این سرمایه را بخواهیم حساب چربی است که بگرد و بدهد و يك بیشتر بودجه عمومی شد ضرر بود غیر آنرا این يك اعتباری است ممکن است امروز مؤسسه الحصار خنجر پیدا کند که دوست هزار تومان به صد هزار تومان بگیرد و بعد پس بدهد و تا میزان دو میلیون تومان مؤسسه الحصار میماند تا از ما پول بگیرد و ما میتوانیم اینهم را در چه حساب کنیم؟ از این دست يك چیزی در آن دست با صنعت مرفوشد تصدق بفرمائید که این پول بر سر کار آید و تمام محصول تریاک این مملکت را بکمر بند بخورد و دو میلیون تومان که بنده پس این طبیعی است که این دو میلیون تومان برای آن نیست که خرج بشود اعتبارات است برای اینکه این مؤسسه بتواند معالجاتی کند و دست بگذارد و هیچوجه من را بخواهد خرج مملکت را اعتبارات مملکتی صد میلیون در ضمن این مطلب قیام تذکری فرمودند که وجود اینده در حال بنده است اغلب می بینیم دولت بیات اوغلی می آورد و يك اعتباراتی بگیرد البته تصدیق میفرمائید که یکی دو فقره بیشتر نبوده است و فرودولش هم این بوده است از منابع لغت شده ۳۰۷ معایش چیست؟ معایش این است که این تبلیغی که در مجلس آمده است و در مقامش يك خرجی تهیه شده است اگر این مبلغ ضافه دانند بیشتر خرج این محل ما میکنیم خوب در ضمن عمل اگر بتوانیم از يك مساعی عوایدی پیدا کنیم چه ضرری دارد. بعقیده بنده هیچ ضرری ندارد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است دکتر مصدق - بنده مخالفم نایب رئیس بفرمائید دکتر مصدق - بنده امروز اجازه خواسته بودم که در کلیات نظرات خود را عرض کنم نوبت به بنده رسید امروز هم در ماده اول يك نظریاتی دارم. اگر اجازه بفرمائید نظریاتم را عرض کنم و الا مختارید. نایب رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - عرض کنم خاطر آقا مسبوق است که بربروز هم اینجا در اطراف این لایحه مذاکره شد امروز هم مذاکره شد و آقا میدانند چند جلسه بیشتر به عمر مجلس بقی نمانده حضرت مستطاب علی هم اگر نظریاتی دارند ممکن است در ضمن يك پیشنهاد عنوان بفرمایند آن پیشنهاد مطرح میشود آفرم نظریات خودتان بفرمایید و الا در کلیات حرف زدن جز گفتن آنست آنچه نتیجه دیگری ندارد باید داخل عمل بود خوب است آقا هم موافقت فرمایند مذاکرات کافی باشد پیشنهاد بفرمایید نظریاتتان را هم بفرمایید اگر آقایان بخواهند صحیح است قبول می کنند و الا مذاکرات بعد کافی شده است مذاکرات يك لایحه تنظیم کرده است آورده است به مجلس البته آقا هم موافقت کرده است موافق هستند با این لایحه در وقت میگذارد از نقطه نظر اینکه يك فعل حرامی است همانطور که آقای مدرس هم فرمودند و بهر ترتیب بشود از فعل حرام باید جلو گیری کرد و همه مسائلی که باید در وقت بگذرد وقتی هم يك فعلی حرام شد همه چیزش حرام است خوب است آقا هم با کفایت مذاکرات موافقت فرمایند و در ضمن پیشنهاد نظریاتشان را بفرمایند تا با هم موافقت کنیم

نایب رئیس - رأی میگیریم به کفایت مذاکرات. آقابیکه تصویب میکنند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد  
 دکتر مصدق - تصویب نشد.  
 نایب رئیس - تشخیص با هیئت رئیسه است. پیشنهاد آقای دکتر رفیع.

(شرح ذیل خوانده شد)  
 دو تبصره ذیل را به ماده اول پیشنهاد می کنم: تبصره اول دولت مکلف است وسائل ترك ترابك را در غیر موارد طبي فراهم آورده و در مدت معینی استعمال این سم مهلك را در مملکت منع نماید.

دو اختاره ها بوده و فقط بموجب نسخه اطباء خواهد بود

نایب رئیس - آقای دکتر رفیع خان  
 دکتر رفیع خان این - این لایحه که دولت آورده است به مجلس برای انحصار ترك درست که ملاحظه می شود يك لایحه ملی و اقتصادی است و در خصوص انحصار ترك موافق و مخالف صحبت کردند و در مقابل نظریاتی که ذکر کردیم حتماً انحصار ترك يك فواید مهم دارد ولی بنده گمان میکنم این نظریات تأمین شود یعنی نکات دیگر هم هست و آن عبارت از این است که شروع ترك در این مملکت فوق العاده زیاد شده است و اگر از یکطرف منابع فروش هست از طرف دیگر از جهت سرمایه وقتی روز بروز مملکت را بطرف فقر و وریشانی سوق میدهد در عین حال که دولت میخواهد خودش را زود کند و حق هم در برابر دولت هر مبلغی که برای خرید عیونش پیش از یک تبصره نظر بگیرد ولی بعد مضموری هم که داد در نظر بگیرد تا تجربه داریم و دیدیم که تجدید ترك در این مملکت تأسیس شد و بیشتر به جهت رواج شد و بنده خیلی خوشوقت هستم که آقای وزیر مالیه از شخصی هستند که از دادن این لایحه نظرشان کم کردن استعمال داخلی است و این مسئله بنده را جرئت داد که این کار را بکنم و کار میکنم يك پیشنهادی است که سکتته هیچ کجای این لایحه نمیزند و در مقابل يك حق بزرگی به گردن این مملکت دارد و گمان میکنم همانطوریکه مرض های دیگر در این مملکت عرض میشود مثل طاعون و غیره و دولت با تمام قوا کوشش میکنند برای دفع آن همانطور هم از برداشتن این سم مهلك يك حق بزرگی بگردن اهل این مملکت وارد و بنده اطلاع دارم از سایر جاها که وسائل فراهم کرده اند برای ترك ترك و هیچ ضرری هم به عوائد دولت نخورده است و بزرگترین استفاده که دولت از این انحصار ترك میتواند ببرد همان ترك دادن استعمال داخلی ترك است و بنده پیشنهاد کردم دولت مکلف است وسائل ترك ترك را در غیر موارد طبي فراهم

آورده و در ظرف مدت معینی سه سال پنج سال ده سال استعمال آنرا ترك دهد و در تبصره دوم هم پیشنهاد کرده ام که فروش ترك را به پزشکانها انحصار دهد و به نسخه اطباء و این خیلی بدیهی است بجهت اینکه استعمال ترك را در موقع طبي انحصاراً طبیب میتواند تشخیص دهد و در همه جای دنیا هم است دو اختاره ها نسخه های سم دار را بدون اجازه طبیب نمیدهند این است که بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

وزیر مالیه - بنده با این پیشنهادی که آقای دکتر کردند کاملاً موافقم و چیزی نیست که با آن مخالف باشم ولی از روشن خراش میام این را بطور تبصره در ماده اول پیشنهاد گذاشتند بگذارند مطالعه کنیم و در آخر قانون بعد از یک ماده الحاقیه اضافه میکنیم و الا صالح بنده هم موافقم

دکتر رفیع خان این - بنده فرمایشت آقای وزیر مالیه را قبول میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد حذف ماده اول را میخوام  
 نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - ماده میم دولت در این لایحه چند نظر دارد یکی استعمال نشدن ترك در داخله که بعقبه بنده با این ترتیب ترك نخوردند. دوم آنکه دولت آماده است انحصار کند آموختن اینجا قائل شده اند که خرید و فروش را حل و نقل خود دولت باشد و تجربه معلوم شده است هر کاری که دولت بخواهد کند خرجش بیش از دخلش است که در دیده شده است خرج و دخلش مساوی باشد یا دخلش زیاد تر باشد مثلاً اداره خیابان خانه شان خوب شده است ولی ببینید که چه قدر خرج آن شده است کسی را که آلات خرواری هیجده تومان کسی بخرد آن را خرواری بیست و چهار تومان میفروشند و هر چیز را که دولت بخواهد اداره کند اگر اینطور ضربه مملکت زند البته خوب

خواهد شد. گندم خرواری هیجده تومان یا کمتر نانش را خرواری بیست و چهار تومان فروختن برای مردم خیلی ضرر است بعقبه بنده اینهم همین اثر را خواهد داشت و باید تجارت ترابك مثل سابق آزاد باشد و از راه دیگر از این قسمت جلوگیری شود و الا با این ترتیب جلوگیری نخواهد شد به این ملاحظه بنده پیشنهاد کردم این ماده حذف شود.

نایب رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - آقا فرمودند جلوگیری از این سم مهلك از راه های دیگر میشود ولی راه نمائی نفرمودند فقط می گویند به نفعشان رسید این بود که ماده حذف شود بنده تقاضای که بنده نظر خودشان را در خصوص جلوگیری از این سم مهلك پیشنهاد کنند و البته اگر بهتر از این ترتیب باشد ما هم قبول میکنیم و این مثالی که ارجع به آن طهران آوردند که خرواری بیست و چهار تومان بفروش میرسد تصدیق میفرمایند که یکوقت دولت گندم را گران میخورد تقریباً چهل تومان و چهل و پنج تومان و از آن میفروخت و بالاخره وقتی قحطی میشود دولت باید پول بدهد و گندم بخرد و حیات مردم را اداره کند دولت این کار را که برای صرفه نمیکند برای دولت حیات و زندگانی مردم صرفه دارد نه اینکه بخواهد تجارت کند و نوعی يك عیبی منفعت کند اگر آقا دیده اند نسبت به ارزاق مخالفتها می شود برای بوطهای بی مصرف بود که امریکاییها در این مملکت خرج کردند و دور بچسبند و الا برای حیات مردم دولت هر قدر هم خرج کنند ما هم موافقم.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به ماده اول آقایانی که موافقتند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.  
 فیروز آبادی - به پیشنهاد بنده رأی گرفته نشد.  
 نایب رئیس - پیشنهاد جنابعالی پیشنهاد حذف بود به پیشنهاد حذف که رأی گرفته نمیشود. ماده دوم

(تاریخ قبل خوانده شد)

ماده دوم - در محل هاییکه زراعت ترك ميشود زارعین و مالکین مکلفند همه ساله در ظرف سه ماه قبل از شروع به کشت و زرع ترك شخصاً و یا وسیله نمایند ثابت التوکل خود اظهار نامه داده و از اداره مالیه محل محضی جواز نموده شروع به زرع نمایند

نایب رئیس - آقای کارونی

کارونی - عرض کنم در اینجا شاید توضیح بدهد بیشتر بحث زحمت شده بنده چندین اعتدالی به این ماده ندارم و عرض می کنم

نایب رئیس - آقای فرزند

فرزند - در این ماده نوشته شده است که سه ماه قبل از شروع به کشت باید از مالیه اجازه بگیرد و بعد کشت و زرع نماید مخالفت بنده ز این نقطه نظر است که در بعضی نقاط این مملکت وزارت مالیه اداراتیکه دارد تا آن دهانیکه میخواهد اجازه بگیرند گاهی نیست فرسخ شاید سی فرسخ فاصله دارد و تشکیلات مالیه بقدری وسیع و کامل نیست که در همان بلوک بیایند و جواز بگیرند باید بیست فرسخ بیست و پنج فرسخ راه بیایند و جواز بگیرد و چند روز زارع معطل میشود در صورتی هر يك روز این زارع ثروتش است آن روزیکه کار نکنند از ثروتش کم میشود یعنی مزد ندارد و رندگانش اختلال پیدا میکنند این است که يك همچو ماده از نقطه نظر حال زارعین که بیایند جواز بگیرند یعنی چند روز بیایند و چند روز برگردند این کاملاً ضرر مادی دارد و بنده معتقدم آقای وزیر مالیه باید ایماه را اصلاح کنند و این سه ماه را بردارند و يك اصل دیگری اختیار شود و آن این است که تحصیل دار در موقع کشت زراعت ترك گردش کنند و همه جا صورت بر دارد و این عملی تر خواهد بود آقای وزیر مالیه فرمودند که مقصود دولت از این لایحه این نیست که در زراعت ترك تخفیف پیدا شود در صورتیکه مطابق این ماده يك تخفیف فوق العاده

باید جرم باشد زیرا که وقتی زارعین معطل شوند برای تحصیل جواز بالاخره تمیکارند و طبعاً از ثروت ترك يك جدا گری خواهند شد و بنده این ماده را برای کشت ترك تغییر لایحه میدهم و اگر بنا است کشت ترك منع شود...

رفع - زاری چه منع شود؟

فرزند - بنده شخصاً معتقدم که باید منع شود و زارعین قدغن شوند چونچه در دهات بودند قدغن تر بود ترك کار است اگر مقصود دولت هم منع زراعت است باید شریخی کند اگر میخواهند زراعت شود بکارتبه بگویند از عیب بکند و لایحه را بخت نه چند روز معطل باشد و عیناً بنده در صحبت می کشد بالاخره میروند دنبال جواز لایحه است آنها را بکند زراعت بکند تمام بگویند کار و این لایحه ای است و دولت باید صداقت رفتار کند و زراعت را بکند و وقت زراعت را تلف کردن به این عقیده بنده و کار خوبی نیست خود آقای وزیر مالیه زجرین بود وزارت مالیه کمالاً ضعیف است اگر بکنند وزیر یک نفر وزیر کاغذی بنشیند وزارتخانه در طهران تقریباً هر روز طول میکشد حالا ملاحظه فرمائید يك رعیتی که نمی تواند ایماه نامه را چه قسم باید بنویسد و در مالیه را اصلاح کند نیست و وقتی بیایند در آن رعیت بدهد این ترتیبات این عملی نیست و مثل این است که فقط برای شکل تراشی است و لایحه دیگری ندارد

وزیر مالیه - این ماده بنده عقیده شده خیلی عملی است و اشکال تراشی هم نیست ولی خوب ایماه يك کار هائی هم باید شود باید وسیله کنترل و اطلاع از مقدار کشت ترك حاصل شود این زوجه راه میشود؟ برای آنکه اسباب زحمت مردم نشوند گفتیم اظهار نامه بدهند و در نظامنامه باید اساسش را درست کنیم که اسباب زحمت نباشد از آنطرف آقای فرزند معتقدند که باید حتماً زراعت ترك کم بشود اگر این ماده نباشد این فکر اصلاحی نمیشود باید داشت چه مقدار است و دولت

احصائیه داشته باشد که این نظر عمی شود الا يك وقت بگوئیم که سالی فلاقتدر کم کنیم اول لازم است که وسیله کار داشته باشیم و این ماده خیلی خوب ماده ایست و خوب است آقا هم موافقت کنند

نایب رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده موافقم

نایب رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده خیلی میل داشتم در این لایحه متخصصین صحبت کنند آقای حاج امین یکی از اشخاصی هستند که متخصص هستند و آقای مدس و آقای وزیر مالیه هم از ایشان استشهاد کردند و ایشان در مقابل هیچ چیز نگفتند چرا حالا هر کدام از ماها صحبت کنیم از روی عدم تخصص است و بنده عرض میکنم که بنده تخصص ندارم

بعضی از نمایندگان - چرا تخصص دارید

وزیر مالیه - ما تخصص شدرا قبول میکنیم

آقاسید یعقوب - خیر بنده همچو اعلام اعلامه در هر چیز نیستم خصوصاً در این مسئله يك مسئله را بنده در روز نامجات می بینم مخصوصاً چند روزنامه است که مسائل اقتصادی را تعقیب میکنند و من خیلی خوشوقتم از روزنامه های خودمان که این مسائل را مینویسند مثلاً روزنامه اطلاعات و کوشش در موضوع واردات و صادرات شرح مفصلي نوشته اند که حقیقتاً هر صبح مد از نماز صبح و تعقیبات آن باید آنها را بخوانیم و برای سعادت مملکت فکر کنیم مثلاً نوشته است يكی از اقلام ترك صادرات ایران ترك است بنده اهل شیرازم و میدانم فسا و دهات اطراف شیراز همه ترك میکارند و هر کجا که دولت طرف واقع میشود تا اینکه ما سعی میکنیم روح صمیمیت ما بین ملت و دولت پیدا شود که مردم از مأمورین دولت دم نکند نمیشود به فرمایش یکی از نماینده ها که صحبت میکرد میگفت ما که میگوئیم مالیت ارضی موقوف شود برای این است که مردم با مأمورین دولت طرف نشوند و

مردم راحت باشند و مشغول آبادی بشوند حالا در اینجا اینکه بنده مخالفت میکنم برای این است که یکی از صادرات مهم ما ترك است که هر چه بگویند من زیر بار نمیروم تقریباً سالی چهارم کرور نباشد سالی سی کرور از این راه عاید مملکت میشود اگر زراعت ترك نبود پارسان تمام اهالی فسا و داراب از بین رفته بودند زیرا جز ترك هیچ چیز نداشتند آنرا روانه کردند پول او آمد رفتند طرف بیضا نان خریدند و آوردند و خورده اند گرچه من کمالاً با دولت موافقم ولی هر چه فکر میکنم نمیتوانم با این لایحه موافقت کنم خوب اگر این عیدی از بین رفت شما میتوانید به من وعده بدهید که تا سه سال دیگر يك محصول دیگری جای این را بگیرد که لا اقل پانزده کرور عایدی داشته باشد؟ بنده که عقیده ام این است سی کرور چهارم نقصان به عبادان وارد میشود آیا بجای این ده پانزده کرور نفع دیگری میرسد حالا که در کلیات و در ماده اول هم رأی داده شد خوب است در ماده دوم آقای وزیر مالیه يك ترتیبی قرار بدهند بنده هم موافق هستم که کم زراعت کم و محدود شود و از آنطرف زراعت زعفران را زیاد کنند موضوع آریتم را توسعه دهند...

مدرس - زعفران چه نتیجه دارد

آقا سید یعقوب - در اطراف اصطهبانات هست اگر تصویب کنند جای این را خواهد گرفت و باید قدم بقدم جلو برویم و این مسئله را از بین ببریم که تا بیست سال سی سال دیگر يك متاع دیگری جای این قرار بدهیم اینک آمده اند قرار داده اند که مأمورین جواز بدهند برای زراعت کردن بنده مخالف هستم و عقیده ام این است که خود دولت باید نموده روانه کند و اطلاع پیدا نماید که امسال چند در زراعت شد و سال دیگر بگویند بار سال ده جریب زراعت شده امسال باید هشت جریب بشود نه اینکه مأمور مالیه برود آنجا جواز بدهد مثلاً در بروجرد که ترك کاری می شود مأمورین حق مداخله و جواز دادن نداشته باشند ولی معین کنند

چقدر زراعت شده است و سال بسال کسر کنیم نه آنطور که آقای نقی زاده فرمودند که آنچه جامعه ملل گفته طاق العمل بالنعل باید رفتار کنیم. ما چه غلطی کردیم عضو جامعه ملل شدیم. باید سال سال خورده خورده سال يك جريب دو جريب کم شود که در ظرف ده سال بازده سال از بین برود نه اینکه یکمرتبه از دست بدهیم بنده با این ترتیب که اجازه جواز بدست مامورین باشد جداً مخالفم. خودتان هم که میگوئید ما عقیده نداریم از بین برود و خودتان میگوئید تا يك چیزی سر جای آنرا نگیرد حاضر نیستیم این زراعت از بین برود خوب اگر اینطور است پس ترتیب جواز گرفتن از مامورین را از بین ببرید و کم کم محدود کنید مثلاً امسال در طرف یروجرد هزار من کاشته شده سال دیگر هشتصد من شود.

رفیع - چرا آقای

آقا سید یعقوب - اگر کم کم اینطور بشود و محدود شود عیبی ندارد و الا با این ترتیب که جواز بدست مامورین باشد بدتر میشود

نایب رئیس - آقای زوار

زوار - اظهاریکه نماینده محترم کردند که تخصص ندارم باز يك شرح مفصلی اظهار فرمودند ولی بنده میخواهم عرض کنم خدمتشان که خلاص کردن مردم را از زیر بار کاوس تخصص لازم ندارد و باید خیلی از دولت ممنون شد که لایحه ای نیاورده است که بکلی این کشت و زرع از بین برود. البته همان اندازه که رفیق محترم بنده آقای فرمند یا آقای آقا سید یعقوب علاقمند به این زراعت هستند دولت هم این رعایت را کرده است. بنده هر چه فکر می کنم در این ماده که مینویسد: صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند...

بعضی از نمایندگان - این ماده سوم است.

زوار - بلی. اینکه فرمودند مالک یعنی زارع نمیتواند در محل حاضر شود کان میکنم یکنفر زارع میتواند در طرف سه ماهه هر کجای ایران میخواهد برود اینکه فرمودند

که مامورین مالیه اذیت میکنند تصور میکنم این قصص قبل از جنابت است چرا؟ برای اینکه دولت وقتی که این لایحه را تقدیم کرده است تمام این عیوب را در نظر گرفته است و مکرر هم آقای وزیر مالیه اینجا با اطمینان دادند که این نگرانی ها بکلی رفع خواهد شد از این نقطه نظر کان میکنم خوب است نماینده محترم هم موافقت بفرمایند و رأی بگیریم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای عراقی.

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم بطریق ذیل نوشته شود.

ماده دوم - در محل هائیکه زراعت تریاک میشود زارعین و مالکین مکلفند هر ساله سه ماه قبل از شروع به کشت اظهار نامه به مالیه محل بدهند که چقدر خشکاش زراعت خواهند کرد.

نایب رئیس - چند فقره پیشنهاد دیگر هم در همین زمینه هست قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۲ عبارت تحصیل جواز نموده حذف و بجای آن نوشته شود رسید اخذ نموده و در تبصره ماده دو بجای کله جواز لفظ رسید نوشته شود پیشنهاد آقای دشتی:

بنده پیشنهاد میکنم از جمله و از اداره مالیه محل حذف و بجای آن نوشته شود که اداره مالیه محل اطلاع بدهند که چقدر کشت خواهند کرد و تبصره نیز بکلی حذف شود.

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۲ عبارت و از اداره

مالیه محل تحصیل جواز نموده حذف شود

پیشنهاد آقای حاج امین - بنده پیشنهاد میکنم جمله

ذیل باخر ماده دوم اضافه شود

مقصود از دادن این جواز فقط معلوم شدن احصائیه مقدار زراعت تریاک است

پیشنهاد آقای ملک مدنی - ماده دوم را بطریق ذیل اصلاح و پیشنهاد میکنم:

در محل هائیکه زراعت تریاک میشود زارعین و مالکین یا شخص یا بوسیله نماینده بطور جمعی یا انفرادی باید اظهار نامه برای زرع تریاک هر قریه و محل در ظرف سه ماه قبل از زرع تریاک بمالیه محل یا مرکز تحصیل داری بلوک داده شروع زرع تریاک نمایند.

پیشنهاد آقای دهستانی - بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده دوم بقرار ذیل اصلاح شود:

مامورین مالیه محل هیچوجه حق امتناع و تعلق از دادن جواز ندارند و مکلف هستند پس از وصول اظهار نامه در ظرف ۲۴ ساعت جواز صادر کرده باظهار کنند رد نمایند و این جواز بجای خواهد بود پیشنهاد آقای فیروز آبادی - بنده پیشنهاد حذف ماده دوم را میکنم.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - ماده دوم آنطوریکه در کمیسیون تنظیم شده بود و آقایان مخالفین و موافقین صحبت کردند بنده دیدم که نظر به آقایان بیشتر روی این قسمت است که اصل تحصیل خود جواز شاید اشکالی داشته باشد و شاید هم موهم يك چیزهایی باشد لهذا بنده برای دفع این اشکال و ابهام و از برای اینکه دولت بداند چقدر تریاک امسال کاشته میشود و احصائیه در دست داشته باشد از این جهت فقط همین اکتفا کردم که اظهار نامه بدهند ولی دیگر منتظر جواز وزارت مالیه و دولت نباشند و دادن اظهار نامه هم برای این باشد که دولت بداند امسال چقدر تریاک کاشته میشود و دیگر ابهام هم ندارد که شاید مقصود منع زراعت تریاک است و همان دادن اظهار نامه کافی باشد ولی تحصیل جواز خیال می کنم قدری اشکال دارد و آقایان هم نظرشان حذف این قسمت جواز است.

وزیر مالیه - عرض کنم که يك قسمت از پیشنهاد آقایان نمایندگان محترم بهم شبیه و نظر این است که قسمت جواز نباشد ولی بعقیده بنده خود ماده که اظهار نامه و جواز را قید کرده است در تبصره هم قید شده است که مامورین مالیه مکلفند که جواز را داده و حق امتناع و تعلق از دادن جواز را ندارند. پس خود ماده این پدش بینی را کرده است ولی خوب حالا چون آقایان اغلب شان این نظر را دارند و ما هم مقصودی جز تسهیل و آسایش رعایا نداریم (با اینکه باسقی احصائیه صحیح در دست دولت باشد و با ترتیبی که در ماده نوشته شده این منظور سهل تر پیشرفت میکنند) بنا بر این اجازه می خواهم که در این پیشنهادها يك دقتی بکنیم و ماده را ترتیبی که نظر همه آقایان را تأمین کند تنظیم کنیم. در هر حال فعلاً ممکن است به پیشنهاد آقای فیروز آبادی که مربوط بحذف است رأی گرفته شود...

نایب رئیس - به پیشنهاد حذف که نمیشود رأی گرفت.

وزیر مالیه - بسیار خوب پس ممکن است يك پیشنهاد دیگر یا ماده سوم را مطرح فرمائید تا در ضمن بنده این ماده دوم را اصلاح بکنم.

نایب رئیس - ماده سوم قرائت میشود

(این قسم قرائت شد)

ماده ۳ - صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند کلیه شیره تریاک های خود را بانبار هائی که وزارت مالیه در دسترس آنها تهیه نموده است تحویل داده و قبض رسید دریافت دارند.

نایب رئیس - آقای فرمند

فرمند - عرض کنم که در این ماده نوشته شده است که محصول شیره را کلیه رعایا مکلفند ببرند بانبار و قبض رسید بگیرند. از آن طرف در ماده بعد نوشته شده است که دولت قیمت متوسطی معین میکند تا صدیق اهل خبره و شیره را خریداری میکنند بنده عقیده دارم که این دو ماده باید یکی بشود چون کاملاً بهم مربوط

است و لا گر این دو ماده جدا باشد اینطور میشود  
 و که اول مطابق ماده سوم جنس را بیاورد همین طوری  
 نخویل بدهند و قبض رسید بگیرند بعد هر وقت دلشان خواست  
 يك بولی آنها بدهند این هزار جور زحمت نولید. میکند ممکن  
 است قبض کم شود. با بقسم دیگر حق این زارع از بین برود  
 و بایست برای آبش حل آنها لا اول وقتی که نخویل  
 میگیرند پولشان را بدهند و بهتر این است که این دو  
 ماده را برای این منظور یکی بکنند و دولت قبل از  
 موقع برداشت محصول نرخ را معین بکنند که وقتی  
 زریك دست آمد و آوردند در انبار فوری پولشان را  
 بدهند و دیگر آنها را منتظر نگذارند - این ترتیب هم  
 رفع اشکال از مردم میکند هم دولت را از خصمه و نگهداری  
 حساب و هزار جور زحمت دیگر راحت میکند

نایب رئیس - آقای بسائی

بساائی - عرض کنم اظهاری که آقای فرمند فرمودند  
 در ماده سه میگوید: صاحبان شیره نعیم از رعیت و  
 مالك مكلفند كليه شیره تريك های خود را بانبار  
 هائیکه وزارت مالیه در دسترس آنها تهیه نموده است  
 تحویل داده قبض رسید دریافت دارند. بعد هم در  
 ماده چهارم میگوید که مؤسسه انحصار چه قسم پول  
 مردم را بدهد و تعیین قیمت بکند خوب بنده  
 نفهمیدم چطور و بچه دلیل که این ماده یکی شود؟ باید  
 دید در همان وقتی که زارع شیره را میدهند آیا ممکن است  
 فوری پول او را داد باید دید این عملی میشود یا خیر  
 دولت که در این کار نظر انتفاعی ندارد. نرخ تريك در  
 هر روز و هر ساعتی تغییر میکند. آنوقت جناب عالی  
 می فرماید يك ماه دو ماه قبل از بدست آمدن محصول  
 نرخ را معین کنند؟ چطور این کار را میشود کرد؟  
 نرخ تريك در مواقع مختلفه، در فصول مختلفه در هر ساعت  
 تغییر می کند و این عمل از نقطه نظر تجارت مملکت  
 ممکن است ضررهای کلی بزند. ولی این ترتیبی که در  
 ماده سوم و چهارم معین شده بهتر است که در هر موقع  
 بازار خوب و مناسبی پیدا شد بفروشند هم زارع ضرری

شیر کردن کدخدای می آید وسط آن اراضی می ایستد  
 چوبش را (يك چوب يك ذرعى) دست میگیرد و آن  
 چوب را نه با قوت بلکه با يك طرز عادى فرو میکند  
 نرمین و باید با کمال آسانی فرو برد اگر فرو نرفت  
 میگوید از سر شروع کنند بشیر کردن. اینطور است  
 زراعت تريك با این بدبختی ها آنوقت نباید نوشت که پس  
 از دریافت وجه تحویل بدهد؛ این چه ضرری دارد. حالا  
 خودتان میدانید

عدد از نمایندگان - صحیح است

مخبر - چون آقایان غالباً در این زمینه اظهاراتی  
 فرمودند لازم است خدمتتان عرض کنم که این ترتیب  
 تحویل دادن تريك بانبار مالیه الان هم معمول است  
 در هر جائی که تريك هست. این کار هست. شیره  
 تريك را رعیت با مالك بعد از آنکه هر کدام  
 سهم خودشان را معین کردند می آورند و تحویل اداره  
 تحدید می دهند و قبض میگیرند و آنجا می ماند تا وقتی  
 که بخواهند بفروشند آنوقت می آیند و می برند این صلی  
 است که الان معمول است. دولت هم در این جا همین  
 معامله را تعقیب می کنند. این شیره را می آورند و می برند  
 انبار بعد بموجب ماده که خواهیم رسید اشخاصی که  
 می خواهند ببرند برای مالک خود چه مختارند بیایند جواز  
 بگیرند و با شرایطی ببرند بخیرجه ولی این کار را نمیشود  
 کرد که در روز اول دولت پول شان را بدهد بعد بیایند  
 جواز بخواهند باید اول تريك را تحویل بدهند بعد  
 دولت بتواند نرخ را تعیین کند و از روی نوع تريك  
 که چه نمره ایست اول است، دوم است، سوم است،  
 چهارم است، بعد از آنکه معین شد آنوقت پول شان را  
 میدهند ولی تا نرخ معین نشده است نمیشود بانها پول  
 داد یا مثلاً اشخاصی که می خواهند خودشان تجارت  
 بکنند میگویند تريك پاش شده باشد و بعد جواز میگیریم  
 که خود من تجارت کنیم. چطور میشود مجبور کرد  
 که شیره را بگیرد و پول بدهد؟ ما برای این ماده را  
 این جور تنظیم کردیم که اول بانبار تحویل بدهند (مطابق

آنچه که امروز معمول است) بعد خود شای  
 تیاری کنند اگر دولت خودش جا داشت در انبار  
 تیاری می کنند اگر جا نداشت اجازه میگیرند  
 و در انبار شخصی خودشان تیاری می کنند اگر خواستند  
 دولت بفروشد مطابق ماده بعد قیمت آن دولت معین  
 و پولش را میدهد اگر هم نخواستند جواز میگیرند و خودشان  
 تجارت میکنند.

بامداد - نخواستند ندارد باید بفروشند

مخبر - آقای بامداد اجازه بدهید قسمت راجع  
 بزراعت گندم را جواباً زراعت تريك که خوب فرو میکنند  
 در زمین این مربوط به این ماده نیست...

بامداد - مربوط بزحمت است.

مخبر خیلی خوب چوب را دو ذرع فرو می کند  
 با يك چوبك بالاخره تريك عمل می آید و تريك که عمل  
 آمد می آورند و می دهند بانبار دلشان خواست میفروشند  
 نخواست بفروشند و جواز میگیرند و میبرند بخیرجه

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ لازم است بنده  
 درین ضمن يك تذکری بکنم که ذکرش لازم است علت  
 عدم واقفیت ما این پیشنهاد این است که این قسمت  
 در ماده چهارم ذکر شده است که نوشته انحصار مكلف  
 است پول را بعد می نویسد « مؤسسه انحصار مكلف  
 ست تريك های وارده بانبار را از صاحبان آنها در  
 حدود جزایر متوسط قیمت های معمول در موقع برداشت  
 محصول سه ساله اخیر قبل از این قانون معلوم کرده  
 خریداری نمایند. پس عین این مقصود آقایان در ماده  
 چهارم نوشته شده است ولی عدم تکرار آن برای این  
 است که بایستی دو چیز رعایت شود: یکی اینکه قیمت  
 باید معین شود. چون قیمت اگر معلوم نشود من که  
 نمی توانم از پیش خودم يك قیمتی معلوم کنم و باو بدهم  
 ثانیاً بایستی اداره انحصار بطرف بفعل که می آید آنچه  
 برضایت طرفین يك معاملاتی بکنند يك مرتبه تمام تريك  
 را در يك روز نمی تواند پول بدهد. الان هم که تجار  
 می خریدند این یکدفعه پول میدهند؟ البته خیر يك

مقدارش را میدهند و قسط بندی می کنند .  
مؤسسه انحصار هم همین کار را می کند باستی معامله  
تجارتی بکنند اگر معامله تجارتي نکنند کارش پیش  
نمیرود . ملاحظه فرمائید در این جا ضرر مردم  
میزنند برای اینکه جواز صدور را که آنجا گذاشتند  
اگر يك کسی بخواند تریاك صادر کنند باید طوری  
بکنند که آن کسیکه میخواهد تریاك صادر کند بتواند  
با صاحب معامله بکند و پولش را بدهد پس باید در  
انبار باشد تا وقتی که پولش را بدهد والا ماور بگوید  
آقا این جواز صدورت بردار و برو این که میشود .  
بامداد - يك سال طول می کشد .

وزیر مالیه - يك سال و دو سال ندارد ما که  
دروغ نمی خواهیم مردم بگوئیم مردم را هم نمی خواهیم  
گول زنیم امسال هم مثل سال دیگر است سال دیگر  
هم مثل امسال ما می خواهیم تریاك را بخریم پولش را  
هم بدهیم مردم این يك چیز واضحی است ولی این  
را باید ملاحظه کرد که قبلاً نمیشود پول آن را داد  
باید ملاحظه کرد که جنس آن چیست چه نمره است  
البته میدانید که قیمت تریاك نسبت بجنس و نوعش  
فرق می کند شما در هر بلوك ممکن است سه چهار  
جور تریاك داشته باشید که قیمت متوسطش در  
سه سال قبل فرق بکند . ما اول که تریاك وارد  
میشود ممکن است در حدود دوتك قیمت نصف قسمت  
بار پول بدهیم بعد قیمت را معین کنیم و با پول  
بدهیم و باید ماده را يك جوری تنظیم کرد که اسباب  
اشکال نشود

نایب رئیس - چون عده زاي رأي کافی نیست  
عجاله پیشنهاد های دیگر قرائت میشود  
( این قسم قرائت شد )

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد می کنم بعنوان نبره ماده سوم علاوه شود  
دولت نمی تواند از برای ماندن تریاك در انبار ولو طول  
بکشد حق مطالبه نماید

که حق گرفتن انبار داری بهیچ وجه ندارند . این انحصار  
است این عنوان مونوپول است این غیر از ترتیبی میشود  
که حالا هست اینجا وقتی انحصار شد بر عهده ما است  
که گماهداری کنیم ولی حالا که میل دارند اضافه  
می کنیم که در ضمن ماده نوشته شود : و حقی بعنوان  
انبار داری گرفته نخواهد شد

مدرس - بسیار خوب

نایب رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده

( این قسم قرائت شد )

پیشنهاد می کنم در ماده ۳ عبارت و قبض رسید  
دریافت در رد حذف و بجای آن نوشته و قیمت آن را  
بطوریکه در ماده بعد معین شده است دریافت دارد .

احتشامزاده - بنده در عین اینکه با این لایحه موافق هستم ولی  
در سه فقره نگرانی دارم که برای رفع نگرانی ها در موقع خودش  
نظریات را پیشنهاد میکنم یکی از نگرانی هائی که دارم  
اولش زیاد شدن تماس مأمورین دولت است با مردم زیرا  
عمل را ما دیده ایم که هر وقتی مأمورین دولت با مردم  
تماس پیدا کردند باید از همه چیز خودشان صرف نظر کنند  
الان عملی که نسبت بکنند میشود در همین طهران ملاحظه  
فرمائید مکاری جنسی می آورد اداره انبار اولاً چهار  
روز پنجروز مکاری بیچاره را که دو سه خروار جنس  
آورده است معطل میکنند برای اینکه جنس مال کجا  
است ؟ چون اخیراً برای اینکه تنظیم کنند امور اداره  
ارزاق را اینطور قرار گذاشته اند که جنس طهران  
يك قیمت خریداری شود و جنس ولایات با يك قیمت  
دیگر آنوقت سر تشخیص اینکه این جنس ولایات است  
یا طهران مدتی معطلی و گفتگو دارد بالاخره میگویند  
پول نیست و دو ماه و سه ماه معطل میکنند يك آدمی  
که دو سه خروار جنس آورده است بفروشد باید دو ماه  
در طهران بماند تا آخر يك چیزی بهش بدهند که  
برود با عائله اش زندگی کند . بالاخره پس از تجریداتی که هست  
بنده نگران هستم که اگر مردم بخوانند تریاكشان را بیاورند  
در انبار تحویل بدهند اسباب زحمت برای آنها خواهد شد

که چند مرتبه باید مراجعه کنند بانبار تا پولشان داده  
شود این است که بنده خواستم در این جا پیش بینی کنیم  
که وقتی تریاك را آورد و داد اداره انحصار پولش را  
بدهند ولی چطور ؟ مطابق ترتیبی که در ماده بعد معین  
شده است . که قبلاً نرخ را اداره مالیه محل معین کند  
بعد در موقع برداشت محصول اداره مالیه محل اعلان میکند  
قیمت را و هر کس تریاك را آورد مطابق آن اعلان پول  
تریاكش را بدهند اما اینکه گفته میشود دولت اینقدر پول  
ندارد که فوراً پول تریاك را بدهد قسمت عمده این  
تریاك تریا کلهائی است که برای صدور بخارجه خرید میشود  
آن را البته خود آن تاجری که تریاك را می آورد تحویل  
بدهد پولش را نمی خواهد می آورد برای اینکه اجازه  
بگیرد و ببرد . بخارجه يك قسمت کمی است که متعلق  
بر عايبا و زارعین و خورده مالکین است که خیال میکنند  
در داخله فروخته میشود ولی در آن قسمت برای صدور  
بخارجه زیاد تر است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که  
پول این قسمت را فوری بدهند در ماده سوم پس از  
عبارت قبض رسید دریافت دارد نوشته شود قیمتش را  
مطابق ترتیبی که در ماده بعد معین میشود بدهند که  
اسباب زحمت مردم نشود .

وزیر مالیه - عرض کنم که این جا هر قسمتی که  
ممکن است تسهیل در این کار بکنند بنده اشکالی ندارم  
مثل قسمت انبار داری که آقا فرمودند و بنده هم موافقت  
کردم ولی این قسمت که آقایان همچو ساده میفرمایند  
این يك مسئله است که باین آسانی هم که آقا میفرمایند  
نیست امر تریاك يك چیز نازه در این مملکت نیست  
حالا اگر بخوانند معامله تریاك بکنند چه جور می  
کنند ؟ تریاك را می آورند در انبار دولت بعد از پنج  
روز ده روز بیست روز يك ماه باز همان روز تاجر  
تریاك خرد می آید توی انبار دولت و تریاك را از زارع  
نوی انبار می خرد خوب تا آن موقع که می فروشد کی  
باو پول داده است ؟ این جنس که مدتی در انبار  
خوابیده بوده است حالا چطور شده است که در اینجا

پیشنهاد میشود که فوراً وقتی انحصار شد پولش را بدهند و تمام این آداب بهم بخورد؟ شما در این قانون هم خواست با ما موافقت نداشتید. ادویه انحصار که بزرگ را میخورد برای مصرف داخلی یا خارجی پولش را هم البته میدهد علاوه شما هم در ماده چهارم نوشته اند که دولت مکلف است پول شیره بزرگ را بدهد خود این کافی است دیگر مکلف است یعنی چه؟ مگر این قانون با سایر قوانین فرق دارد و جایجا عبارت فرق میکنند که اینقدر آقا نگرانی دارند؟ بالاخره این ترتیب بکلی قانون را بهم خواهد زد. آقایی تصدیق فرمایند که قانون را اینکه تیکه و خورده خورده اصلاحاتی درش کردن بدون اینکه فرصت مطالعه دقیقی باشد همیشه وقتی قانون تصویب میشود و میرود بیرون که سه تا عیب درش پیدا میشود. اگر اساس قانون را معتقد نیستید و صحیح نمیدانید یا نویسندگان آنها را مردمانی میدانید که سوء نظر دارند بک مطلبی است و لا غالباً بک اصلاح عبارتی که میشود و بعد بک پیشنهاد از طرف دیگری میشود و رأی داده میشود این بک چیزی ارزش بیرون میآید که قبل اجرا نیست و نوبی عمل در میانند و بعد باید بیآورند اصلاح یا لغو کنند. پس خواست از حالا این کار را نکنند حالا هم استدعا میکنم آقایان موافقت فرمایند با همین اصلاحی که در آخر ماده شد که حقی بعنوان انبار داری اخذ نخواهد شد ماده را تصویب کنند و بگذرد.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فرمند (شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم آخر ماده سوم اینطور اصلاح شود تحویل داده و دولت مکلف است قیمت آرا فوراً بپردازد.

فرمند - بنده اولاً عرض میکنم که مقصود از این پیشنهادات برای ایجاد مانع نیست بلکه برای سهولت کار و الا نظری نداریم و این را خواستم عرض کنم. اینجا دولت وقتی می خواهد معین بکند ممکن است در هر ولایتی آن ترتیبی را که برای تعیین نرخ در ماده چهارم

پیش بینی شده است آن را بیست روز قبل از مدت آمدن بزرگ در آن ولایت معین و اعلام کنند. حالا آقای مخبر فرمودند که کم و زیاد بزرگ از نقطه نظر مرفین توفیری در قیمت ایجاد میکند. این را هم ممکن است در هر ولایتی بک لایحه تراز درست کنید و مرفین آن را معین کنید که بزرگی که فلان قدر مرفین دارد امسال قیمت آن چقدر خواهد بود این از نقطه نظر کلی است و ممکن است اساساً اقسام بزرگ را سه قسم بکنند خوب و بدو و وسط. آنوقت آن بزرگ را ممکن است برای هر قسمش بک نرخ معین کنند و وقتی که زارع می آورد تحویل بدهد تشخیص بدهند که از چه رقم است و فوری پولش را بدهند که برود پی کارش این بک نظر نظر دیگر اینکه آقای مخبر فرمودند حالا میآورند در انبار و قبض میکنند و بعد پولش را میگیرند. حالا بزرگ و دلاهای خرید بزرگ آراء هستند. در دهات و بلوکات خریداری میکنند. بک خرور پنجاه من میخرند و بعد تحدید هم معامله میکنند و بپردازند در مواقع انحصار مطابق آنوقت زارعین دیگر نمی توانند به انبار بفروشند و بعد بفرستند با اداره انحصار و اداره انحصار هم در بلوکات همه جا شعبه ندارد باید بیست فرسخ سی فرسخ فلان رعیت بیاید و بزرگش را تحویل بدهد و این اسباب رحمت می شود تزه هم باید بک مدتی معطل و سرگردان باشد تا چه وقت پول او را بدهند و این رویه اگر برقرار شود بعقیده بنده ملائین کوچک وزارتین دیگر نمی توانند بزرگ بکارند و بزرگ کاری منحصر میشود به پنج نفر از ملائین بزرگ که با هم متحد میشوند و در هر ولایت زراعت بزرگ را اختصاص میدهند بخودشان و با اصطلاح در هر ولایت بک نوبت بزرگ کاری پیدا خواهد شد و چند نفر ملاک بزرگ که نظام نامه و قانون را میفهمند و میخواهند و بعضی خصوصیت ها با مالیه دارند این کار را در دست میگیرند و بک کپانی تشکیل میدهند. اگر چنانچه مقصود این است که دست آنها بیافتد این صحیح نیست خود بنده هم میروم

در همدان بک کپانی تشکیل میدهم. آقای وزیر مالیه باید این را اصلاح کنند. ایشان خیلی عصبانی شدند که اگر این کار را بکنم زلزله می شود و انحصار از بین میرود. در صورتیکه بنده تصور نمیکم این اشکالاتی که آقای وزیر مالیه و آقای مخبر می فرمایند مورد پیدا بکنند و همانطور که برای ما می فرمایند و هم است بنده تصور میکنم برای آقای مخبر و آقای وزیر مالیه و هم تولید شده است این ترتیب ممکن است بک کپانی هائی تشکیل بدهد که با هم متحد شوند و فایده را تماماً آنها ببرند بک عده از ضعیفای این مملکت از این استفاده محروم بمانند عقیده ام این است که آقای وزیر مالیه برای رفاهیت حال مردم این پیشنهاد را قبول فرمایند و اگر چنانچه تصور سوء میکنند در این که پیشنهاد بنده را قبول کنند اقل قبول کنند که این ماده دوباره مراجعه شود بکمسیون و در آنجا مطالعه عمیق تری شود و بک طوری این مواد نوشته شود که در آتیه اسباب زحمت و خسارت مردم نشود و الا ما که نظر دیگری نداریم.

وزیر مالیه - این اظهاراتی که نماینده محترم کردند و بک نابلو تاریکی را شرح دادند که بعد از گذشتن این قانون پیدا خواهد شد و زارعین چه کار خواهند کرد و از جواز گرفتن چه نتیجه حاصل خواهد شد و رحمت می کنند. یکی از انحصار میترسید و فجه می کنند و یکی دیگر از ترس جواز گرفتن زهره اش آب میشود الی آخر اینها همه بعقیده بنده (هرکس عقیده اش آزاد است) هیچکدام مطابق با واقع نیست بنده عرض کردم خدمت آقایان که برای ما از نقطه نظر اداری چون میل آقا بازارا میدانم که میل دارند ما وسیله معامله تجار را در انبارها فراهم بکنیم این رعایت ها را باید کرد خود تجار اگر امروز بخواهند معامله بکنند اگر عبارت را این جور اصلاح بکنند معامله نمی کنند و محل میشود و از آن طرف بنده می بینم که این مطلب طوری در اذهان آقایان تمرکز پیدا کرده است که شاید حقیقه خیال کنند این جایک نظریه هست در صورتیکه هیچ نظریه نیست و مطلب

خیلی ساده است باین ملاحظه بنده حاضر در ماده چهارم (ماده بعد که مربوط بموافقت در باب قیمت است) بعضی از آقایان پیشنهادی در باب تعیین مدت کرده اند که در چه مدت پولش داده شود آنوقت در آنجا حرف میزنیم و کم و زیادش میکنیم.

مدرس - بک ماه باشد

وزیر مالیه - خوب در اصل معین و محدود کردن مدت بنده موافقت میکنم و مساعدت میکنم و این امتناعی را که بنده عرض کردم برای این است که برای تجاری که میخواهند معامله کنند ضرری وارد نشود و الا برای ما از نقطه نظر انحصار اشکالی ندارد و بنده راستی راستی می خوام بک کاری بکنیم که برای تجار وسیله سهلی باشد که بتوانند صادر کنند. حالا خوبست آقای فرمند هم موافقت فرمایند که این مطلب را در ماده چهارم درش بحث نکنیم چون جایش آنجا است و ماده سوم را بهتر این است بهمین شکل رأی بدهیم.

فرمند - بنده قبول میکنم که در ماده چهارم این قضیه تأمین بشود

نایب رئیس - خوب مسترد فرمودند

مدرس - پیشنهاد بنده ضمیمه شد

وزیر مالیه - بلی

نایب رئیس - پیشنهاد آقای نامداد بکمترتبه دیگر

قرائت میشود و رأی میگیریم

(مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای نامداد

آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده بر خاستند)

نایب رئیس - قبل توجه نشد. رأی میگیریم به پیشنهاد

آقای احتشامزاده...

احتشامزاده - با توضیحی که داده شد بنده مسترد

می کنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

کازرونی - بنده اصلاً استرداد میکنم



نایب رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی :

( این قسم قرائت شد )

بنده ماده ۳ را این قسم اصلاح می‌نمایم :

صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند کلیه شیره ترباک های خود را در هر نقطه که بخواهند تحویل اداره مالیه داده و قیمت آنرا دریافت نمایند

فیروز آبادی - در این جا بحسب ظاهر عبارت ماده این است که در جائیکه اداره مالیه محل در دسترس آنها قرار داده است مثلاً اهل شهریار، اداره مالیه شهریار و اهل ورامین، اداره مالیه ورامین تحویل بدهند بنده عقیده ام این است که اینطور نوشته شود: که در هر جا که میل دارند تحویل بدهند این یک نظریه بنده نظریه دیگر من است که قیمت آن را فوری بلا بدهند چرا؟ برای اینکه زمانی که ترباک در غالب ولایات کاشته میشود پول لازم دارند خرج دارد و وقت دارد. بعلاوه برای بر داشت ذراعت یک مخارجی دارند پس هم برای ذراعت قبل که باید تحویل ابار بدهند و هم برای ذراعت بعدی که باید قائم مقام آن بشود و در موقع معین کاشته شود مخارج زیادی لازم دارند و اگر تماماً نقداً بیاها داده نشود موجب زحمت آنها فراهم میشود و ذراعتشان معوق می ماند و نمی توانند ضبط و ربط ذراعتشان را بکنند. در هر حال برای رفاهیت آنها بنده این پیشنهاد را کردم که در هر جائی بخواهند تحویل بدهند پول شان هم نقداً داده بشود

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - نظریه نماینده محترم درباب رعایت حال رعایا و ذارعین و صاحبان ترباک البته قابل تقدیس است. ولی اگر اجازه بفرمایند که بهمان محمل ترباک تر بفروشند راحت باشند برای اینکه اگر بخواهند از ورامین ببرند اداره مالیه شهریار اسباب زحمت شایسته است و راجع به پول شایسته هم مطابق این ترتیبی که حالا مقرر شد در ماده بعد تعیین نمایند که در ظرف دو ماه باشد شما هم همراهی کنید که اینطور باشد دو ماه هم اهمیت ندارد ما می خواهیم یک طوری بکنیم که هم

ترباک بفروش رسد و هم پولش را بدهند و هر دو طرف هم راحت باشند و قیمتش را هم طوری تعیین بکنند که ضرر نخورد بصاحبان ترباک را می آورند اداره میدهند قبض میگیرند بعد از دو ماه می آیند پول را میگیرند دیگر بعد از یک سال و شش ماه طول نکشد که بیایند این جا و آنجا و بالاخره جزو دیون دراتی بشود و بیاید بکمسیون بودجه و آقای سید یعقوب هم در آن جا قبول نکنند و بگویند چه وقت این ترباک را تحویل داده اند و همینطور بنده پس بنده تصور میکنم که آقایان هم موافقت بفرمایند که این قسمت را در ماده چهارم مذاکره کنیم و فعلاً کار این ماده را تمام کنیم و خوب است آقای فیروز آبادی پیشنهادشان را مسترد بفرمایند

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

( دو سه نفر قیام نمودند )

نایب رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای استرآبادی

( بنحو ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم در آخر ماده سوم اضافه شود مالیه مکلف است منتهی در ظرف یکماه قیمت را بپردازد

معتضد استرآبادی - با اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند در ماده چهارم اصلاح میشود بنده مسترد میکنم

وزیر مالیه - بنده يك اصلاحی در ماده سوم کردم و ماده سوم را رأی بگیری بعد بماده دوم این جا بعضی از آقایان به بنده تذکر دادند که يك چیزی در این جا علاوه شود بنده هم قبول کردم که اضافه شود و آن این است که نوشته شود: صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند که شیره ترباکهای خود را بانبار هائی که وزارت مالیه در دسترس آنها تهیه نموده است وزن نموده تحویل داده و قبض رسید دریافت دارد. این وزن نموده اضافه شود

نایب رئیس - ماده سوم با اصلاحی که شده قرائت

میشود و رأی میگیریم :

( این قسم قرائت شد )

صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند کلیه شیره ترباک های خود را بانبار هائی که وزارت مالیه در دسترس آنها تهیه نموده است وزن نموده تحویل داده و قبض رسید دریافت دارند و هیچگونه حقی بعنوان انبار داری مطالبه نخواهد شد

نایب رئیس - رأی میگیریم باین ماده آقایان موافقین قیام فرمایند

( اکثر بر خاستند )

نایب رئیس - تصویب شد. ماده دوم را آقای وزیر مالیه اصلاح نموده اند قرائت میشود

( بشرح آتی قرائت شد )

ماده ۲ - در محلهائی که ذراعت ترباک میشود ذارعین و مالکین مکلفند هر ساله در ظرف سه ماه قبل از شروع بکشت و زرع شخصاً و یا بوسیله نماینده ثابت الوکاله بطور جمعی یا انفرادی بمالیه محل یا مرکز تحویل داری بلوک اظهار نامه داده و قبض رسید دریافت دارند و قبل از آن شروع بزرع ترباک نمایند

وزیر مالیه - قبض دیگر ندارد و رسید دریافت دارند بنده موافقت کردم با نظر آقایان که جواز از بین برود

حالا هم استدعا میکنم که با بنده موافقت بکنند که این قید آخری بشود یعنی قبل از اخذ رسید شروع بکشت ترباک نمایند و قید برای هر دو طرف باشد. والا ممکن است اظهار نامه را ندهد و شروع کند ذراعت ترباک آنوقت بنده چه بکنم؟ اصل موضوع از بین می رود پس خوبست از طرفی هم او را ملزم کنیم که تا اظهار نداده و رسید اخذ نکرده شروع بزرع ترباک نکند. بنده موافقت

( مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد )

کردم که جواز نباشد آقایان هم قبول کنند که این قید آخری برای الزام طرف در ماده ذکر شود تا نقض غرض نشود

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی پیشنهادی کرده اند ( این قسم قرائت شد )

در ماده دوم بنده پیشنهاد میکنم در جائی که بخواهند زیاده از يك من تبریز مشخص بکارند مکلفند که در زمان کشت و با قبل از آن جواز بگیرند تا آخر ماده

فیروز آبادی - حالا که جواز از بین رفت بنده مسترد میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :

( بشرح ذیل قرائت شد )

پیشنهاد می کنم اضافه شود ' مأمور مالیه مکلف است رسید بدهد

آقا سید یعقوب - آقای وزیر مالیه توجه بفرمائید آن شخصی که اظهار نامه را میگیرد مکلف است رسید بدهد وزیر مالیه - بنده هم اشکال ندارم و حاضر در این مسئله ولی بنده میترسم که اسباب اشکال برای خودمان بشود

نایب رئیس - رأی میگیریم بماده دوم باین اصلاح گذشته آقایان موافقین قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

نایب رئیس - تصویب شد

جمعی از نمایندگای - ختم جلسه

نایب رئیس - مخالفی ندارد!

گفتند - خیر

نایب رئیس - جلسه ختم میشود. جلسه آتی روز سه شنبه دستور هم بقیه امروز

( مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد )